

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۹ اردیبهشت ۵۹ شماره ۴۶ تک شماره ۱۰ ریال

سایروس ونس استعفا کرد

سیاست تجاوزی امریکارا
در سطح جهان منفرد کنیم

سایروس ونس استعفا داد
این اولین بار است که تلاش می‌کند
حقیقت را در گسل دستجات مسلح
به خاک ایران بود. باید گفت آقای

چه عواملی امکان توپخانه
به امپریالیسم آمریکا می‌دهد

اگرچه اقدام نظامی آمریکا علیه ایران با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو شد ولی توپخانه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ما بهمین جا ختم نمی‌شود. زیرا غیر منطقی است که تصور کنیم آمریکا تمام مسئله‌اش گروگان‌نیاست و برای نجات آنها دست به آن اقدام توپخانه آمیز زده‌است. ابعاد توپخانه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا، از جمله آنچه که از نقشه‌های اقدام نظامی اخیر فاش می‌شود، رسوایی و خسارات ناشی از قبول این خطر در مقابل محاکمه ویا از دست دادن ۵۰ گروگان و همچنین واقعات بسیار دیگری در صحنه سیاسی

از مرزهای میهن حفاظت کنیم

عملیات مجدداً "آزادانه‌از کشور خارج گردیدند. و این امریست که مینوآندهر روز وقوع یا بدوگوا چندین بار سیراتفاق افتاده‌است. برای کشور ما که از چهار سو در معرض تجاوز قرار دارد و علت انقلاب راستین خود مورد بغض و کینه امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت آمریکا و بقیه در صفحه ۲

نجا و نظامی امپریالیسم آمریکا خاک ایران مستثنیست حفاظت از مرزهای کشور در برابر تجاوزات خارجی را بطور جدی مطرح کرده‌است. هواپیماهای آمریکایی حامل کوماوندوها و سارو بزرگ لازم برای عملیات تحریمی بدون برخوردیه مانعی نخواهد بود. قلب کشور بی‌شروعی کرده و پس از وقوع سانحه و شکست



افغانیهای مبارز متقیم تهران:

در سالگرد

کودتای ۷ ثور

تجاوز روسیه را

محکوم کردند

افغانیهای مبارز تهران برای محکوم کردن دومین سال کودتای محمدتره‌کی در ۷ اردیبهشت ماه تصمیم به راهپیمایی علیه اشغال نظامی روسیه و رژیم کودتای "بیرگ کارمل" گرفتند. اجتماع کنندگان مستقر در میدان امام خمینی که در حدود ۳ هزار نفر بودند طی انتشار اطلاعیه‌ای با مضامین گروه و سازمان افغانی بنام‌های: "جمعیت اسلامی افغانستان، اتحادیه دانشجویان و افغانیهای مبارز ایران" حرکت انقلاب اسلامی افغانستان، جنبه ملی نجات افغانستان و محاذ اسلامی افغانستان مردم ایران را بقیه در صفحه ۵

ماجرای اجوئی کارتر کاخ سفید را با بحران مواجیه کرد

بطور قطع و یقین گفت که تاریخ این کار احمقانه کارتر که بی شک ادامه خواهد داشت چه بسا خطرات جهانی بدنال دارد، برای انتخابات آمریکا چه خواهد بود، ولی این رامینان گفت ماجرای را که کارتر برای مظلوم بودن آمریکا در سطح بین‌المللی به کار گرفته بود نقش بر آب شده‌است. حالا دیگر افکار عمومی جهان می‌دانند که کارتر حتی ردل‌تر از بقیه اعوان و انصار کاخ سفید میباشد و همانند حقوق بشرش، دفاع از قوانین بین‌المللی‌اش نیز ماسک فریبکاری است. کارتر بعلاوه سایروس ونس بقیه در صفحه ۳

بانکی نامی دیگر بجز یک ماجراجو نتوانسته برای خود گسب کند. چیزی که سایروس ونس با استعفاي خود غیر مستقیم باو گفته است. آقای کارتر کشورهای اروپایی و زاین بزور و تحت نام دفاع از مقاله نامه وین و قوانین بین‌المللی نگاری شکسته خود بسته است و لسی حالا چه میخواهد بگوید، یعنی زمانی که دیگر جای شکی برای کسی باقی نمی‌ماند که قوانین بین‌المللی برای آقای کارتر تنها باندازه برد و ساخت انتخابات مقدماتی ایالت پنسیلوانیا ارزش دارد و پس البته از هم اکنون نمی‌توان

کارتر کارتان زار نزار است که خود می‌بندارید. شما بدنال دشمنی علی بنان با ملت ایران و انقلاب اسلامی آن خواستید مسئله گروگانها را توشه راه انتخابات مجددتان به ریاست جمهوری آمریکا فرار دهید و این هدف آنقدر گورتان کرده‌است که وزیر خارجه‌تان نیز برخالفت باشما برخاست. آقای کارتر میخواست باسک عمل باصطلاح محبرالعقول و آزاد ساختن گروگانها بدون گردن نهادن بخواست های ملت ایران بصورت یک فهران در آمریکا ظاهر شود ولی حالا علاوه بر سردسته امپریالیستهای

سالگرد شهیدار اگر امی داریم

صفاقی، برومند و سلیمانی و سپس شهادت قهرمانان نه پیریز واعظ زاده مرجانی، کادر مرکزی سازمان انقلابی و شاه‌این نوکروا بسته به امپریالیسم آمریکا را بالاخره به زباله‌دان تاریخ فرستاد، در آن روزهای تاریک و بدم

روز چهاردهم اردیبهشت ۱۳۵۵ (۴مه ۱۹۷۶) خسرو صفاقی، گرسویز برمند، تقی سلیمانی از اعضاء سازمان انقلابی

مواضع اجمالی

داخلی و بین‌المللی نشان میدهد که مسئله گروگانها و تجات جان آنها نه تنها مسئله مهمی برای امپریالیسم آمریکا نیست بلکه حتی مسئله گروگانها خود به بهانه‌ای برای توجیه انجام هر جنایت تبدیل گردیده است. آنچه که به منافع اساسی آمریکا ضربه‌ی کاری وارد آورده انقلاب اسلامی میهن ما بوده، لذا آنچه را که آمریکا میخواهد مورد حمله قرار دهد و آن را با شکست مواجه سازد، تحکیم دستاوردهای انقلاب و ادامه و تعمیق آن است. بهمین منظور آمریکا و عواملش علیه استقرار یک دولت ملی و ایجاد یک کشور مستقل توطئه می‌کنند.

ابر قدرت جنایتکار آمریکا از دو جنبه با میهن ما سروکار دارد: یکی ضربه زدن به انقلاب که علیه منافع او بوده و برای حفظ و بچنگ آوردن این منافع فوری. دوم از آنجا که میهن ما در یک منطقه توفانی از صحنه‌های رقابت دوا بر قدرت آمریکا و روسیه برای سلطه بر جهان قرار دارد، آمریکا برای تحکیم موقعیت خود و تدارک امکانات مختلف برای مقابله با تهاجم و تجاوزات رقیب فعالیت می‌کند.

این دو جنبه از برنامه‌های امپریالیسم آمریکا ایجاب می‌کند که این ابر قدرت چه بصورت آشکار و چه مخفیانه به رخنه، بهره برداری از اوضاع و اقدامات دیگر در منطقه و در میهن ما دست بزند. از این رو این توطئه‌ها و اقدامات دیگر همچنان ادامه خواهد یافت.

چه عواملی امکان توطئه به امپریالیسم می‌دهد.

یک جریان انقلابی ناپایی که بعد از انقلاب به سردمداری بانداکیانوری بقیه در صفحه ۲

سیاستی استوار در دفاع از کشور

سمیناری که در دانشگاه دفاع ملی از روز شنبه ۳۰ فروردین ماه آغاز گشته بود (رجوع کنید به رنجبر شماره ۴۴ به شنبه - ۲ اردیبهشت) در روز شنبه ششم اردیبهشت بیابان رسید. هر چند که سمینار پس از یک هفته بحث و تبادل نظر مصوبه پیشنهادی نداشت، اما نشان داد که در میان بسیاری از مسئولین و متخصصین سیاسی و نظامی کشور نظرات مشابهی وجود دارند و ادامه یک چنین سمینارها نسی قطعاً به تدوین یک دیدگاه و برنامه روشن واحد دفاعی منجر میگردد.

این سمینار در شرایطی برگزار گردید که میهن ما از چهار سو (شمال و جنوب و شرق و غرب) مورد تهدید مداخله و تجاوز نظامی ابرقدرتها و نیروهای ارتجاعی قرار دارد، در شرایطی برگزار گردید که امپریالیسم آمریکا اقدام نظامی و قیحانه خود را علیه خاک میهن ما تدارک میدید، و باین دلایل و با توجه به این نظر هدف آن بررسی راه‌های تحکیم نیروهای دفاعی میهن ما در برابر تجاوزات خارجی و توفیق اصول اساسی سیاست دفاعی ما در این زمینه بود. از اهمیت برجسته‌ای برخوردار بود. بدین خاطر حشرب رنجبران ایران در این سمینار فعالانه شرکت نمود و مورد استقبال کلیه شخصیت‌های کشوری و لشگری میهن دوست حاضر در سمینار قرار گرفت.

هیجده سخنران و منجمله رئیس‌جمهور کشور مسئله دفاعی را از جوانب مختلف شکافتند و چهار کمیسیون سیاسی و نظامی و اقتصادی فرهنگی بحثها تبادل نظرهای نسبتاً مفصلی انجام دادند که بر طبق اظهار مسئولین سمینار در کتابی منتشر خواهد گشت. از خلال سخنرانها و بحثهای این سمینار نکاتی بیش از پیش برجسته گشته که به بعضی از آنها در زیر اشاره می‌کنیم:

۱- شعار نه شرقی نه غربی امری کبیر است که برای بقیه در صفحه ۲

اعضای سازمان انقلابی (یکی از سازمانهای تشکیل دهنده حزب رنجبران ایران) بدست دژخیمان رژیم منقوربه شهادت رسیدند. آنها در راه رها نشی و استقلال ایران عزیز و آزادی و رفاه کارگران و خلقهای ستمدیده ایران و جهان خود را فدا کردند امروز انقلاب ما به شکرانه خون هزاران هزار شهید که در این راه پرافتخار قدم گذاشته اند پیروز شده است. تاریخ نشان داد که خون این شهیدان بر زمین نریخت و ملت ما رژیم منفور

دوران روزهای تاریک رژیم شاه با تحریف اخبار و اشاعه اکاذیب کوشید تا کشتار این سه انقلابی را در زیر شکنجه‌های مزدوران ساواک مخفی می نگهدارد. روزنامه‌های وابسته خبر شهادت آنها را بصورت "درگیری" ذکر کردند. تا جنایات خود را محققانه جلوه دهند. ولی پرونده‌های پزشکی قانونی که بدست انقلابیون افتاده است حاکی از آن است که این سه قهرمان در زیر شکنجه شهید شدند. ضرباتی که با شهادت

بانداکیانوری قهرمان مبارزه ضد آمریکائی یا عامل امپریالیسم

که برعکس، بمثابه مهره‌ای در خدمت رقابت وحشیانه جهانی و منطقه‌ای دوا بر قدرت، به این رقابت دامن زده و عامل تشدید تحریکات و تجات هم این وهم آن یکی امپریالیسم قدرت‌اند. لکن قبل از اینکه به توضیح این معنی بپردازیم، ضروری است که اندکی به شرح سیاست با مصطلح "ضد آمریکائی" بانداکیانوری در این دوره، اخیر بپردازیم.

۱- تضعیف جبهه متحد خلق علیه امپریالیسم
در مقالات عربی و طویل و اطلاعاتی‌های بانداکیانوری در روزهای اخیر، ماهواره‌ها به این ادعا برخورد می‌کنیم که این باندهمیشه در مورد تجاوز آمریکا هشدار داده است و نیروهای ملی را دعوت به ایجاد "جبهه متحد خلق" نموده است. اما کیست که نداند منظور او روسته کیانوری از این "جبهه متحد خلق" چه بوده است: جبهه‌ای مرکب از کلیه عناصر انقلاب طلب وابسته و متمایل به شوروی، علیه نیروهای استقلال طلب جامعه بقیه در صفحه ۵

بندبناال تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به خاک ایران، تجاوزی که با شکست مفتضحانه روبرو شد، باندا مزدور و سرسپرده کیانوری، بار دیگر میدان را برای عبوم فریبی و قیحانه خود باز زد و کوشید تا با تبلیغات هیبتکی سرا یا دروغین خود را با مصطلح "قهرمان" مبارزه ضد آمریکائی جلوه دهد. شاید در ظاهر طبیعی بنظر آید که بانداکیانوری، بمثابه عامل اجرای سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی، و در ارتباط با رقابت میان دو ابر قدرت، خواهان مبارزه علیه آمریکا است، و باین عبارات دیگر این تصور پیش آید که بانداکیانوری، اگرچه به ابر قدرت روس سرسپرده است، اما با ابر قدرت آمریکا مبارزه میکند. لکن اعتقاد به چنین امری تنها ناشی از عدم شناخت کافی از ماهیت امپریالیسم و عمال آن از سویی و از مفهوم مبارزه ضد امپریالیستی از سوی دیگر است. به اعتقاد ما، عاملین امپریالیسم روس نه تنها قادر به مبارزه سا امپریالیسم آمریکا نیستند

حزب رنجبران ایران درباره دفاع و امنیت ملی در صفحه ۴

بانک کشاورزی و دهقانان در صفحه ۳

همسرقهرمانش شکوه طواغیان و همرزم او مهوش جاسوسی از اعضای برجسته این سازمان بسیار شدیدی بود. رژیم منفور شاه نوکرامپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان طبقه کارگر و ملت ایران نظیر دارو دسته خائن کیانوری حزب توده وابسته به روس فکر کردند که چنین ضرباتی باعث نابودی این نیروی انقلابی شده است. شاه خائن این ضربه را "بزرگترین پیروزی سالهای اخیر" معرفی کرد و حزب توده به نوبه خود مدعی حمله کوشیده تا بشیوه کثیف همیشگی خود این شهدا و سازمان آنها را وابسته به ارتجاع معرفی کند اما ایمان و اراده انقلابی ادامه دهندگان راه این شهدا عظیم تر از آن بود که طاغوتیان تصورش را میکردند. انقلابیون متشکل در سازمان انقلابی و تشکیلات انقلابی دیگر نفرت خود را به اراده و عزم استوار بقیه در صفحه ۶

توضیح درباره مقاله کردستان

شهید خلق میباشند و برای آنها نیز باید سوگوار باشیم.
۲- همانطور که اشاره کرده‌اید علل اساسی جنگ در کردستان جناحهای وابسته به روس حزب دمکرات میباشند لیکن در واقع اخیر سنندج طبق گفته خبرنامه گومله و سایر نیروهای سیاسی ابتدا خود اینها با ارتش درگیری بوجود آورده‌اند. و سایر نیروهای سیاسی نیز در این حمله شرکت کردند.
۳- در این مقاله همچنین از هیئت نمایندگی خلق کرد نامی برده نشده بود. برای حل مسئله کردستان از طریق مذاکره ابتدا دولت میباید با این هیئت که مسورد پشتیبانی خلق کرد میباشند مذاکره نماید.

باعرض تشکر بیونس - م

هیات نمایندگی خلق کرد مورد پشتیبانی مردم کردستان است.
درباره مقاله کردستان شماره گذشته رنجبر نامهای دریافت کردیم که حاوی توضیحاتی درباره نارسائی‌های مقاله می‌باشد. متن نامه از این قرار است:
نشریه محترم رنجبر: من یکی از خوانندگان نشریه رنجبر هستم. در رنجبر یکشنبه شماره ۴۵ مورخه ۷ اردیبهشت ماه در مقاله‌ای که در مورد کردستان نوشته بودید، چند تذکر دارم امر به طبع فرمائید.
۱- از افراد نیروهای سیاسی که در این درگیری شهید شده‌اند نامی نبرده‌اید. این افراد هر چند دچار انحرافات سیاسی سازمانهای مربوط بخود هستند. لیکن

مبارزه با چپ‌نماها و مسئله آزادی

بالاتر از استقلال قرار می‌دهند (و عموماً استقلال را فراموش میکنند). اما در واقع خود انحصار طلبان تنگ نظری هستند که در چهار چوب منافع گروهی خویش تحمل هیچ عقیده مخالفی را حتی گروه‌های نزدیک بخود را ندارند. تجربه مواردی که چپ‌نماها موقتاً در آن به قدرت رسیده‌اند (مانند دانشگاه‌ها و...) و اعمال فشار و انحصار طلبی شدید از جانب آنان نشاندهنده ماهیت انحصار طلب و شبه فاشیستی این آقایان "آزادی" است.

واقعیت این است که انقیاد طلبی چپ‌نماها در برابر امپریالیسم روسیه و انحراف عمده‌شان بوده و برچم "آزادیخواهی" آنان دروغین است.

لکن همانطور که اشاره شد جریان برخوردهای اخیر دانشگاه‌ها مسئله شیوه مبارزه با این انقیاد طلبان را به مسئله مهم بحث‌روز تبدیل کرده است.

ما معتقدیم که در مبارزه با چپ‌نماها در درجه اول باید بین صفوف آنان تفاوت قائل شد و همه‌ی آنان را بدون تفکیک و تمایز مورد حمله یکسان قرار نداد. در راس خائنین به خلق، باند مزدور کیانوری در حزب توده قرار دارند که باید عمیقاً نقش اساسی آنرا در زمینه چپ‌نماهای وابسته به روسیه و در کنار سران حزب توده، رهبری غاصب سازمان چریکی قرار دارند. سران حزب توده و رهبری غاصب چریکیا به موازات هم با جنگ و دندان می‌کوشند تا ایران را وابسته به روسیه سازند. افشا و طرد آنان از صفوف مردم ضروری است. **بقیه در صفحه ۳**

رودروئی گروه‌های چپ‌نما با توده‌ها و برخورد غلط گروه‌های انحصار طلب با آنان در حوادث اخیر دانشگاه‌ها، باردیگر مسئله چپ‌نماها و چگونگی مبارزه با آنان را مطرح نموده است. برای چندمین بار روشن شد که چاق انحصار طلبان نه تنها نمیتواند نقاب کاذب "آزادیخواهی" چپ‌قلابی را پاره کرده و چهره انقیاد طلب آنان را نشان دهد، بلکه برعکس به رهبران چپ‌نماها امکان میدهد که ماهیت واقعی خود را هر چه بیشتر با فریاد "آزادیخواهی" بیوشانند و چند صباحی دیگر برای نگاه داشتن مصروف طرفداران خود زمینه فعالیت پیدا کنند.

چپ‌نماها وظیف وسیعی از گروه‌های به ظاهر مخالف سوسیال امپریالیسم تا مدافعین آشکار روسیه امپریالیستی را تشکیل میدهند. علیرغم تمام تفاوتها، وجه اشتراک اکثریت قریب به اتفاق این گروه‌ها انقیاد طلبی آنان نسبت به امپریالیسم روسیه است. رهبران حزب توده نماینده رسمی منافع روسیه تجاوزگر در ایران، نفوذ وسیعی در چپ‌نماها دارند. در بین چپ‌نماها، راه‌کارگر و چریک‌های فدائی در درجه اول و برخی از مسلمان‌نماها در درجه دوم، سوسیال امپریالیسم را متحد دوست خویش میدانند. اکثر گروه‌های معروف به خط ۳ و دستجات چپ‌نمای مشابه، با تزلزل در برابر سوسیال امپریالیسم و عمده کردن تضاد با دولت ملی عملاً در همان خط انقیاد ملی حرکت میکنند. چپ‌نماهای انقیاد طلب، به‌ظاهر آزادیخواه هستند. آنها حتی شعار آزادی را

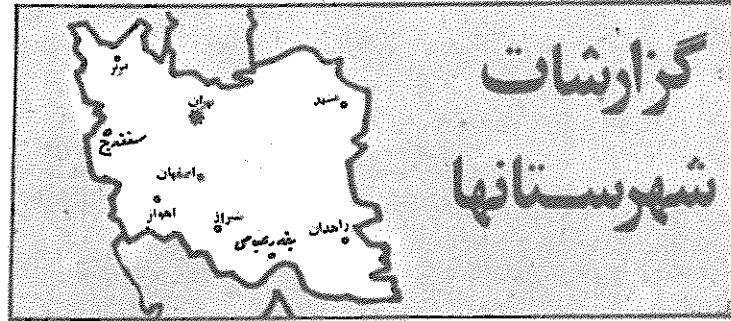
انقلاب دارد و این درست‌همان چیزی است که توده‌ها نیز مقامات مسئول خواهند. هر روز که از بی‌روزی انقلاب میگذرد و هر چه قدر انقلاب ما با مشکلات عینی و خرابکاری و نوطنه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه روبرو میگردد، روشن‌تر میشود که مبارزه علیه امپریالیسم برای استقلال، برخلاف آنچه برخی مقامات و گروه‌ها می‌پندارند و به آن عمل میکنند، مثنی حرافی‌های پرهیا و هو شعارهای توخالی نیست، بلکه برعکس عبارت از انجام یکسری سیاست‌ها و اقدامات انقلابی مشخص با تکیه به توده‌ها میباشد.

در زمینه دفاع و حفاظت از مرزهای کشور، سیاست اساسی ما بیرونی کردن شعار راستین نه شرقی، نه غربی و بالابردن هشیاری و روحیه میهن پرستی توده‌ها و نیروهای مسلح یا سازمانها و ایجاد آمادگی برای جانفشانی در راه خلق و میهن در برابر تجاوزات آمریکا یا روسیه است. جانب‌دگر این سیاست بالابردن آمادگی رزمی نیز و سلاح، تقویت صنایع نظامی ملی و بالابردن کیفیت تکنیک جنگی و استفاده کامل از وسایل مدرن حفاظت از مرزها است بشرطیکه این وسائل آنچنان وابسته به دوا بر قدرت نباشد که مانند مورد اخیر عملاً بکار امنیت مرزها نیایند.

البته روشن است که این سیاست باید مبتنی بر بسیج تمام خلق و برپایه ایجا دارتش بیست میلیونی و در حمله اول بر اساس بسیج توده‌های مردم و ملیت‌های در اقلیت ساکن نوارهای مرزی ایران استوار باشد. در پیش گرفتن این چنینی سیاستی و جلوگیری از رشد انقلابیگری کاذب که با شعارهایی نظیر انحلال ارتش بجای پاکسازی آن در جهت تضعیف قوه دفاعی ایران برای حفاظت از مرزها گام بر میدارد، میتوان مرزهای

از مرزهای

روسته است، جنس سهل انگاری در حفاظت از مرزها و جنس ضعفی در دفاع از امنیت ملی ناسف با روحی حال است آوار است. مردم ما مدتی پیش شاهد تها و زمینگهای روسی بودند در ماه گذشته خیر ما توسط ارتش روسیه را در قفقاز که برای عبور از مرزهای شمالی و اشغال ایران تمرین میبینند، بارها نیروهای رزمی بعث عراق به مرزهای جنوبی و غربی ما تجاوز کرده‌اند و ناوگانهای عظیم دریائی و ابر قدرت در آبهای محاور خلیج فارس مدتهاست که آماده تعرض و تها و به ایران میباشند. تها و مستقیم و آشکار نظامی اخیر امپریالیسم آمریکا هم‌اکنون در کشور ما همچنان در معرض خطر مستقیم تها و فرار داشته و باید بطور جدی و فعال در صد تدارک دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خود باشد و واضح است که این دفاع باید قبل از هر چیز در مرزهای میهن ما انجام گیرد. رژیم شاه خائن و مطوع در خدمت برنامه‌های ربا بان امپریالیست خود میالغ هنگفتی را برای ایجاد یک ارتش تهاجمی با ساز و برگ مدرن مصرف نمود. اکنون این ساز و برگ در دست ارتش جمهوری اسلامی و دولت ملی است که باید در خدمت دفاع ملی و حفاظت از مرزها و استقلال کشور بکار گرفته شود. وابسته بودن ارتش ما از نظر تجهیزات و سیستم‌نظمی به امپریالیسم و در حمله اول به آمریکا و اقلیتی ناسف آور است ولی نمیتواند توجیهی برای سهل‌نگاری مقامات مسئول و وضع ناسامل دفاع از مرزها باشد. البته تبدیل ارتش شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم به ارتش ملی و ابزار قدرت‌مندی در دست خلق، بای دفاع از مرزها،



واقعیت در گریبهای اخیر رشت چگونه بوده است

در شماره گذشته رنجبر در همین ستون اقدام به چاپ گزارشی از درگیریهای اخیر شهر رشت نمودیم. با توجه به نارسائی ها و عدم دقت در تنظیم مطلب مذکور در این شماره نیز گزارش دقیق تری را که از گیلان برای ما ارسال شده بچاپ می‌رسانیم که در زیر ملاحظه می‌کنید.

رشت - ۱۶ اردیبهشت - بدنیا ل اعلام شورای انقلاب مبنی بر لزوم تخلیه دانشگاهها از استادها و گروههای سیاسی، چپ‌نماهای دانشگاه رشت (پیکار، پیغام و...) در دانشگاه سنگربندی کرده و با سنگ و چوب آماده دفاع می‌شوند. صبح روز سه‌شنبه دوم اردیبهشت دهها هزار تن از مردم برهبری حجت الاسلام غفاری (که از تهران به رشت رفته بود) برای پاکسازی دانشگاه روانه میشوند. بر اثر سنگ پراشی و مقاومت چپ‌نماها عده‌ای از مردم از جمله هادی غفاری مجروح می‌شوند. لازم به تذکر است که هادی غفاری خود از محرکین درگیری بوده است.

توده مردم که اکثر از زحمتکشان و زنان مسلمان تشکیل می‌شدند، خشمگین از حرکت چپ‌نماها دانشگاه را پس از زود خود شددیدی تصرف می‌کنند و ۷ نفر از دانشجویان را دستگیر می‌کنند. سپاه پاسداران که تا کنون در درگیری دخالت نکرده بود در همین هنگام سر می‌رسد. متاسفانه عده‌ای از مردم به تحریک انحصار طلبان دست به رفتارنا شایسته و به زدن دانشجویان دستگیر شده، تحقیر دختران دانشجویان به خانه‌های اطراف مبادرت می‌کنند. در این میان ۷ نفر کشته و نزدیک به هزار نفر زخمی می‌شوند. اکثر زخمی‌ها سرپاشی معالجه شده‌اند. شهر به حالت تعطیل در می‌آید و طرفداران دو طرف در خیابانها دست به تهاجم زده و دکه‌ها و کتا بفروشی و... را به آتش می‌کشند.

عصر همان روز تها هراتی بر علیه سپاه پاسداران و هادی غفاری در شهر انجام می‌شود. استادان گیلان و غفاری نیز از رادیو و تلویزیون مردم را بر علیه مخالفین به مقاومت و دفاع می‌خوانند. صبح روز چهارشنبه چپ‌نماها به دفتر جهاد سازندگی حمله می‌کنند در جریان درگیری یک پاسدار کشته می‌شود، پاسداران نیز دست به تیراندازی زده و چند نفر را به قتل می‌رسانند. غروب همانروز با ردیگر عده‌ای از مردم به تحریک انحصار طلبان به کتا بفروشی‌های چپی حمله می‌کنند.

روز سه‌شنبه یک راهپیمائی برای تشییع شهدای دانشگاهها شرکت بیش از ده هزار نفر از محل دانشگاه به طرف گورستان شهر انجام می‌گیرد. از شمارهای این راهپیمائی "این سند جنایت فدائی است." و "جوشنی املشی اقدام باید گردد" آمریکا، شوروی مرگ به نیرنگتان، خون شهیدان مهیا می‌چکد از جنگتان." بود. قبل از شروع راهپیمائی هادی

غفاری در دانشگاه نطق کرده، گروههای چپي را تهدید کرده و همه نیروهای چپ را بطوریکه چاه منجم می سازد. و تهدید می کند در صورت حمله چپ ناهای تمام دستگیرشدگان دانشگاه را به قتل خواهد رساند.

همانروز اطلاعیه ای از طرف استانداری پخش شده و مردم به آرامش دعوت می شوند. آیت الله لاهوتی بعنوان نماینده امام و رئیس جمهور نیز وارد درشت می شود و طی سخنرانی و بیان رادیو تلویزیونی خود مردم را به آرامش دعوت می کند و قایع اخیر را که از سمت عده ای انحصار طلب و چپ نما انجام شده بود محکوم نموده و حمله به نیروهای سیاسی را غیر اسلامی می خواند. از آن پس جوهر بر رفته رفته روبه آرامش می گذارد.

حزب رنجبران ایران (بخش گیلان) اعلامیه ای درباره وقایع اخیر رشت منتشر کرده که بخش هایی از آن در زیر می آید:

"باردیگر ما شاهد برادر کشی و رودرویی مردم با

هم بودیم و گلوله هایی را که می بایست سینه ابر قدرت های شرق و غرب (آمریکا و روسیه) و عمالشان را سوراخ کند بر سینه جوانان و زحمتکشان میهن نشست... مسئول این کارها چه کسانی هستند؟"

"انحصار طلبان که از حمایت برخی از مسئولین دولتی برخوردارند بطور مرتب با ترتیب سخنرانی و نطق های تحریک آمیز و استفاده از رسانه های گروهی و سوء استفاده از احساسات پاک توده ها نسبت به اسلام و رهبری انقلاب "امام خمینی" از خشم به حق آنان به چپ نماها و انقیاد طلبان متمایل به روس استفاده کرده و... زمینه یک حمله سراسری را برای قبضه نمودن انحصاری قدرت و زدودن تمام نیروهای ملی انقلابی و کمونیست های استقلال طلب فراهم نمودند."

"از سوتی دیگر سرسختان چپ نما و چپ روها بر اساس خط مشی انحرافی و نداشتن تحلیل درست از اوضاع و جویا کم بر شهر و... پریها دادن به خود به جمع آوری نیروی طرفدار خود از رشت و شهرستان های نزدیک پرداختند و با تشدید تبلیغات خود ضمن اشغال دانشگاه و تصمیم به مقابله، آمادگی سراسری برای ایجاد یک درگیری را فراهم کردند."

در پایان اعلامیه ضمن محکوم کردن انحصار طلبان مسلط بر شهر از همه همشهریان تقاضا شده است به درگیریها خاتمه داده و هوشیاری خود را بر علیه تحریکات حفظ نمایند. در عین حال خواستار روشن شدن وضع دستگیرشدگان و مجازات عاملین کشتار از هر دو طرف گشته است.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمیته های خود را

به حساب بانک زیرواریز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۴۵۳۶۸

برای رتجا و زوات امپریالیسم کاری سخت است و محتاج به برنامه ریزی درشت، سخت کوشی و تلاش و ایمان به

چه عواملی

شروع شده و همراه با گروگان گیری شدت یافت، این بود که بخشی از نیروهای ملی را تحت عنوان "لیبرال"، راه نفوذ و پایگاه امپریالیسم آمریکا معرفی می کرد. اما حوادث مختلف و از جمله رخنه نظامی اخیر آمریکا بیشتر روشن ساخت راه نفوذ و زمینه مساعد برای مداخلات آمریکا، با اصطلاح "لیبرال ها" نبودند بلکه عمدتاً کلنجار و اختلافات میان حاکمیت و اغتشاش و هرج و مرج ناشی از تحریکات انقلابی نماها و چپ نماهاست که به امپریالیسم فرصت توطئه می دهد.

در مورد اول رقابت و قدرت طلبی های جناحهای مختلف حاکم و ترجیح دادن منافع گروهی به مصالح ملت که مانع استقرار و تثبیت دولت منتخب مردم میشود، وجود کانون های مختلف قدرت که وسیله و اهرمی برای قدرت طلبی ها است، آنچنان هرج و مرجی را در میان ارگانهای دولتی و انقلابی بوجود آورده که کمتر کسی ب فکر حفظ حدود و ثغور کشور و مقابله با توطئه های مختلف است. از جمله در همین جا نیز پیوسته که وجود مسائلی مانند گروگانها، علیرغم بهانه ویا میل انقلابیگری کاذب، بجای آنکه وسیله ای برای مبارزه ضد امپریالیستی باشد، بصورت وسیله ای برای تضعیف جمهوری اسلامی و برای مداخلات امپریالیستی عمل کرده است.

در مورد دوم تجربیات میهن ما و سایر کشورها نیز نشان میدهد که امپریالیسم با استفاده از عمل، چپ نمایی و انقلابی نمایی و یا نفوذ در این گونه گروهها زمینه فعالیت خود را مساعد می سازد. بهر حال اغتشاش و تحریکات چپ نماها و انقلابی نماها، چه عوامل مستقیم امپریالیسم در میان آنها باشد و چه نباشند، در خدمت ایجاد آنچنان شرایطی است که بیش از همه توطئه های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی است. در اوضاع کنونی میهن ما با آنکه تحریکات چپ نماها و انقلابی نماها در خدمت تهاجم امپریالیسم روسیه است اما چون بهر حال این جریانها به صف انقلاب ضربه میزند، در عمل صف خلق را در مقابل توطئه های آمریکا نیز ضربه پذیر می سازد.

البته نباید اصولاً نفوذ امپریالیسم آمریکا را در جریانات چپ نما و انقلابی نما علیرغم گرایش این دستجات به امپریالیسم روسیه، منتفی دانست. این وضعیت را در گذشته تجزیه کرده ایم که مثلاً دار و دسته کیانوری در ساواک نفوذ داشتند و بر عکس. حالا هم طبیعی است که آمریکا در این دارو دسته ها رخنه کند چون بهر حال در صحنه های کشمکش و رقابت آمریکا و روسیه، عوامل و ستون پنجم های دوا بر قدرت در بسیاری موارد در هم تداخل دارند.

خلاصه کلام آنکه هرچه هرج و مرج در میان حاکمین بیشتر باشد و هر چه انقلابی نماها و چپ نماها به تحریکات و اغتشاش دامن بزنند، راه برای توطئه های امپریالیستی بازتر است.

چگونه مقابله با توطئه ها را تضمین نمائیم

لزوم هوشیاری و مقابله با این توطئه ها نیز از همین جا ناشی میشود. اگر چه برای آمادگی و مقابله با توطئه های گوناگون باید در میان جناح های حاکمین و نیروهای سیاسی آنچنان روحیه ای حاکم باشد که مصالح ملی و حفظ استقلال میهن را بر منافع قشری و گروهی ترجیح دهند اما نمیتوان صرف خواستن این امر انتظار داشت دیگر اغتشاش قدرت طلبی در میان حاکمین موجود نباشد و یا انحصار طلبان از یک طرف و گروه های چپ نما و انقلابی نما از طرف دیگر به تحریکات هرج و مرج طلبانه نپردازند. بنا بر این آنچه که مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا را تضمین می کند، هوشیاری و آمادگی توده ها برای شناخت توطئه ها و عقیم گذاشتن آن است. تاکنون نیز بارها شاهد بوده ایم که حرکت میلیونی توده ها و جلوی توطئه ها ایستاد و از انفجارات احتمالی جلو گرفت. باید متحداً هوشیار و آماده باشیم تا امکان توطئه های بیشتری به امپریالیسم آمریکا و عواملش ندهیم و هر اقدام خائنه و تجاوزکارانه آنها را عقیم گذاریم.

کشور را به دزی مستحکم در برابر تاجا و زوات و توطئه های آمریکا جنایتکار و روسیه تاجا و زگر تبدیل نمود.

عملی کردن آن باید دارای مشی و برنامه روشن و یکدست بود. این هدف کاری نیست که با شعار و حرف جامه عمل بیوشد. اکنون که کشور ما با پیروزی انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی می رود تا بندهای سلطه امپریالیسم آمریکا را بطور کامل قطع نماید توسل به سیاستهای ماجراجویانه و بدون چشم انداز عقلائی نمیتواند به کشاندن ایران بسوی سوسیال - امپریالیسم شوروی تمام شود.

۲- رادیکالیسم کاذب برای پیشبرد یک سیاست انقلابی راستین که ما را با وسیعترین جبهه ضد دوا بر قدرت متحد ساخته، و با ایجاد شرایط مناسب داخلی کشور را چه در صلح و چه در جنگ حفظ نماید مضر و هلاکت آور است هم اکنون تاثیرات نامطلوب این انقلاب گری کاذب در سیاستهای خارجی و امور نظامی، تاثیرات نامطلوبی بجای گذارده.

۳- برای حفظ استقلال کشور و دفاع از تمامیت ارضی خود باید از یک اقتصاد شکوفا و خودکفا بهره مند گردیم. ولی ساخت اقتصادی باقی مانده از رژیم سرنگون شده سخت با این امر در تضاد است. بنا بر این یک جهاد بزرگ ملی در بازسازی اقتصاد کشور و با استفاده از تمام فاکتورهای مثبت ضروری و حیاتیست.

۴- امر دفاع از تمامیت و استقلال کشور ضرورت مرکزیت واحد قدرت در کشور را ضروری و تخطی ناپذیر میسازد. اما وجود مراکز متعدد قدرت و دخالت های ناهای مختلف در امور کشور چون سدی بر سر راه این مرکزیت واحد قرار گرفته و باید آنها برانداخت.

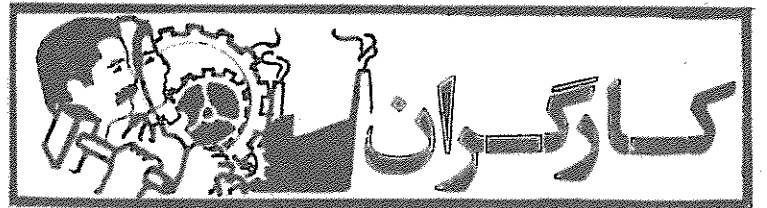
۵- دکترین دفاعی کشور ما باید ایرانی باشد. یعنی نه تقلید از شرق و نه تقلید از غرب باشد، بلکه بر مبنای واقعیت و نیاز و سابقه و وضع کشورمان تدوین گردیده و در مرکز آن حفظ بدون کم و کاست استقلال ایران قرار گرفته باشد.

۶- دکترین دفاعی کشور، باید تدافعی بود و هدفش حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران باشد و از هژمونی طلبی منطقه ای و جستجوی منافع در زدوبندها و پیما نهایی نظامی امپریالیستی و تجاوزی بدور باشد.

۷- باید در نوسازی ارتش جمهوری اسلامی ایران و شکوفا ساختن یک ارتش ملی در پیوندی فشرده با ارتش بیست میلیونی خلق کوشید و تزهائی که ضرورت داشتن ارتش منظم را رد می نماید بهر نحو و شکل غلط و نادرستند، امروز با حدت یافتن تضادهای بین المللی و تبدیل منطقه خلیج فارس به یک نقطه انفجاری در جهان توجه به امر دفاع ملی

سیک نیاز تخطی ناپذیر ملی تبدیل گردید. در حالیکه امپریالیسم یانکی و قیاحانه را هژمان نظامی خود را به حرم مقدس کشور ما می فرستد، ابر قدرت شوروی در شمال و شرق کشور ما نیروهای نظامی وسیعی را متمرکز ساخته و کشور همسایه افغانستان را با اشغال خود در آورده است و بعضی های عراق بی شرمانه جنگل اعلام نشده با کشور ما را به پیش میبرند. وظیفه همه نیروهای استقلال طلب ملی است که با سرد قیاع از استقلال کشور بمشابه یک نیاز مندی ضروری توجه کرده و در جهت وحدت و سازمان دادن خلق حرکت نمایند.

ما برای آشنائی بیشتر خوانندگان خود متن نوشته ای که رفقای شرکت کننده حزب به سمینار مقدماتی دفاع ملی ارائه دادند را در صفحه ۴ همین شماره منتشر می نمائیم.



اعلامیه گروهی از

کارکنان شرکت ملی پروژه‌های انتخابات مجدد شورای کارگران شرکت ملی پروژه‌های رای با کنیم

دراختیار آنهاست، چاره‌ای جز وحدت و تشکیلات ندارند. ما امروز برای پیگیری خواسته‌ها- پیمان چاره‌ای جز بوجود آوردن تشکیلات خاص خودمان نداریم. ما مادر عمل دیده‌ایم که "شورای اسلامی زحمتکشان" نه در جهت خواسته‌های ما، بلکه به همراه کارفرما، در جهت خلاف منافع ما حرکت میکند. این به اصطلاح شوراهای امروز دست در دست کسانی چون "خارقاتی" و "شورای تصفیه و تزکیه"، کارگران مبارز رانسانسای کرده و اخراج مینماید. نویسندگان این اعلامیه دردنباله مطالب بالا می‌رسند: "پس حالا چه باید کرد؟ وسپس ادامه می‌دهند: "برادران کارگر! انتخابات مجدد شورای کارگران شرکت ملی پروژه‌های رای با کنیم و از طریق این شورا، خواسته‌های طبیعی خودمان را در مورد تاسیس شرکت ملی پروژه‌های، رسمی شدن کارگران بیمانی، لغو قرارداد اسارت بار فاسترویلر و صنایع فولاد، دنبال کنیم. مافقط و فقط موقتی به این خواسته‌های خود خواهیم رسید که یک تشکیلات واقعی داشته باشیم و همگی یکصدا از آن پشتیبانی نمائیم."

دربین مبارزات اخیر کارگران شرکت ملی پروژه‌های (فاسترویلر - تهران جنوب) و رشد ناراضی‌تشی کارگران از مسئولین این واحد و پیمان شدن حقوق آنان، اطلاعات و اعلامیه‌های فراوانی در مناطق مختلف استان خوزستان منتشر شده است، در زیر یکی از این اعلامیه‌ها را که به اعضا "گروهی از کارگران مبارز شرکت ملی پروژه‌های (فاسترویلر - تهران جنوب)" بخش شده است، بطور خلاصه می‌خوانید:

برادران کارگر: مبارزه بین سرمایه‌داران و کارگران مبارزهای است دائمی، مبارزه‌ای بین طبقه کارگر و سرمایه‌دار، مبارزه‌ایست بین استثمارشونده و استثمارگر. بین کسانی که همه وسایل تولید و سرمایه‌ها را در دست دارند و کسانی که در زندگی چیزی جز نیروی کار خودشان ندارند. و به همین دلیل هم هست که در این مبارزه اگر کارگران جدا از هم حرکت کنند، نتیجه‌ای نخواهند گرفت. کارگران برای مبارزه با سرمایه‌داران که همگی متحد هم هستند و دولت هم پشتیبان و یابستر بگوئیم

درددل يك كارگر بیکار

بیکاری، هر از چندی در کشور ما شدت و ضعف می‌گیرد. در شرایط فعلی که تولید دچار بحران گشته، بیکاری باز سر بلند کرده است. بیکاری علاوه بر آنکه افشار وسیع غیر کارگری را در بر گرفته است، بیشترین فشار را بر دوش زحمتکشان ما که هیچ تأمین زندگی بجز فروش نیروی کار خود ندارند، وارد می‌سازد.

در حاشیه اجتماع کارگران
اخراجی کارخانجات تهران

کارفرما، ماده ۳۳ و کارگران

روز یکشنبه هفتم اردیبهشت ماه عده‌ای از کارگران اخراجی ۱۲ کارخانه و کارگاه از قبیل ری. او. واک. ل مینو- ایرانا سدا رویش- عبیدی ناسیونال- ویتانا- دستمال حریر- کشیاف و غیره- به نمایندگی از طرف ۳۰۰ نفر کارگر اخراجی، در جلوی وزارت کار تجمع کرده بودند. خیرنگار رنجبر با یکی از کارگران کارخانه ری. او. واک صحبتی داشت که در زیر خلاصه‌ای از آنرا چاپ می‌کنیم: این کارگر می‌گفت: ما اکثراً بعنوان اخلاک‌گزار از کارخانه اخراج شده‌ایم، در حالیکه هیچ دلیلی بر این اتهام وجود ندارد. حتی در یک جلسه که با حضور مسئولین وزارت کار و کارفرما و نمایندگان کارگران اخراجی تشکیل شد، کارفرما نتوانست دلیلی بر اخلاک‌گرا ما ارائه دهد و مجبور به قبول بیگناهی ما شد و بعد از رای گیری موظف به استخدام ما شد ولی بعد با استفاده از ماده ۳۳ قانون کار از استخدام ما شانه خالی کرد. روز دوشنبه اول اردیبهشت کارگران اخراجی و بیکار برای اعتراض نسبت به اخراج کارگران بطرف نخست وزیر راه‌پیمایی کردند ولی در جلوی دانشگاه درگیری رخ داد و دو نفر از کارگران جاقو خوردند و یکی دیگر که نماینده کارگران بود مورد هدف سر نیزه قرار گرفت که حالا در بیمارستان است و شاید دستش فلج شود. این کارگران آمده‌اند: "اداره کار سیاست جدیدی را در متفرق کردن کارگران در پیش گرفته. بطوری که به بیکاران و کارگران اخراجی، کارهایی چند روزه بسیار دور از محل اقامتشان میدهد و آنها را به چهار گوشه تهران می‌فرستد."

در این ضمن یکی از مسئولین وزارت کار از کارگران خواست تا نمایندگان خود را برای صحبت با مسئولین انتخاب کنند. بعد از مدتی نمایندگان مراجعه کردند و اعلام کردند که با وجود ماده ۳۳ قانون



بانک کشاورزی و دهقانان

میکند در عمل با بهره ۸٪ و ۴۰٪ اضافی
برای دیر کرد و هزاران مقوزرات
ماند.

دست و پا گیر نه تنها باری از دوش دهقانان بر نداشت بلکه دهقانان را خانه خراب تر کرد. تازه آنهایی که باگوش و تقلا و یارتی بازی از سد مقررات بانک می‌گذشتند می‌باید با بهره ۸٪ وام بگیرند که در واقع با کلک‌های بانکی از این مقدار هم بیشتر میشد. پول هم به جیب صاحبان بانک می‌رفت که سهامدار عمده آن دولت وقت بود. سر نخ آن نرس متصل میشد به بانکهای خارجی و در واقع چه از طریق دستگاه دولتی و چه از طریق سازمان‌های غیر دولتی نفع حاصل از بانک (که حاصل چاپیدن کشاورزان بود) به جیب امپریالیسم می‌رفت.

بانک کشاورزی در ضمن این غارتگری وام‌های بزرگ برای طرح‌های وسیع کشاورزی نیز می‌داد که در واقع با زد و بندهای اداری معمولاً به عده‌هایی از وابستگان رژیم و درباریان دیوانسالان عالی‌رتبه تعلق می‌گرفت. حتی بعضی از این وام‌ها بدون بهره و با تسهیلات زیاد بودند. خلاصه قضیه این بود که بانک کشاورزی ثمره کار کشاورزان را می‌گرفت و بخشی از آن را به اربابان خارجی میداد و بخشی را هم به نوکران و ایادی داخلی آن یعنی سردمداران رژیم و صاحب منصبان عالی‌رتبه اداری. این بانک در واقع وسیله‌ای بود که امپریالیسم حتی سرمایه‌های کوچک روستا را هم چپاول میکرد و سیاست پشت آن هم چیزی جز این نبود. چنین بانکی اجباراً مقررات و ضوابط مرتبط با این اهداف را داشت. بعد از انقلاب با ملی شدن بانکها، دیگر سیاست خدمت به امپریالیسم بر این بانکها حاکم نبود، بلکه برنامه بر این بود که این بانکها، در حین توسعه، شدت ندهد.

بانک کشاورزی همزمان با "اصلاحات ارضی رژیم گذشته در روستا فعال شد. مسائل مالی "اصلاحات" مذکور که وزارت کشاورزی مجری آن بود به عهده بانک کشاورزی گذاشته شد و بانک قسط بندی و دریافت اقساط دهقانان و مال الاچاره‌ها را با عهده گرفت. در کنار این کار، بانک کشاورزی با اصطلاح موظف شد که با پرداخت اعتبار لازم به روستاییان و تسویق سرمایه‌گذاری به رشد کشاورزی کمک کند. اما از همان اولین قدم باطن رشت و بول اندوز خود راه روستاییان نشان داد و معلوم شد به اسم رشد کشاورزی و کمک به روستاییان، در اصل هدف آن، خانه خرابی و چاپیدن دهقانان است. چرا که یکی از شرایط اصلی دریافت وام داشتن سند مالکیت بود. آنهم درست زمانی که استفاده از زمین بستگی داشت به وجود سرمایه و امکانات لازم برای تولید. زمانیکه امکانات تولید وجود نداشت در نتیجه تنها زمین نمیتوانست مشکل دهقانان را حل کند. علاوه عدم دسترسی مستقیم به بازار و دخالت بی رحمانه واسطه‌ها و خرید محصول با قیمت ارزان در محل مشکل را دو چندان میکرد. دهقانان اسما صاحب زمین شده بود ولی نمیتوانست آب لازم را تهیه کند. اگر هم می‌توانست بذر لازم را تهیه کند ماشین‌آلات و وسایل اولیه را نداشت. همه این عوامل منجر به این شد که دهقانان هر روز فقیر تر شدند. در ابتدا با بوق و کرنا میامه راه انداختند که: "دهقانان را آزاد کرده‌ایم" اما دهقانان خیلی زود متوجه شدند که از بند آریاب رها شده و به بند بدتر از آریاب افتادند و این بند جدید چیزی نبود جز اقساط باقی مانده و هزاران مزاحمت و مخالفت مقامات دولتی تا جاییکه دهقان بدون اجازه دولت آب نم‌توانست بخورد.

دستگاهی در خدمت اهداف انقلاب
استقلال طلبانه تبدیل شود.

اخیراً کارکنان بانک کشاورزی در سمیناری که بدت دو روز در اوائل ماه جاری برگزار شد قطعنامه‌ای صادر کردند که حاوی نکاتی چند است. در این قطعنامه ضمن مردود شمردن روابط گذشته اداری خواستار تغییرات فوری در سیستم اعتباری و لغو قوانین دست و پاگیر آن شده‌اند. این نکته مثبتی است که هر چه زودتر می‌باید در اعطای اعتبارات آنهم به سود دهقانان زحمتکش فقیر و کم سرمایه در جهت رشد کشاورزی عملی گردد، چرا که طرح واگذاری زمین به دهقانان مصوبه شورای انقلاب بدون پرداخت اعتبارات و سرمایه جهت کشت و کار و تهیه وسایل تولید طرحی در حد کاغذ خواهد ماند.

حل مساله زمین به تنهایی تمام مسائل دهقانان را حل نخواهد کرد. واضح است که نقش بانک کشاورزی در جهت رفاه دهقانان و رشد تولید کشاورزی در تداوم امر استقلال بسیار مهم است و از این جهت لغو تمام مقررات دست و پا گیر اداری و یک مرکزی کردن اعتبارات برای کشاورزی امری ضروری است. در گذشته منابع اعتباری متعدد بودند و این منجر می‌شد به اتلاف وقت و نیرو و امکانات بیشتر از بیت المال. علاوه بر این زمینه هم روستاییان با مقررات مختلف روبرو بودند و در نتیجه با مرجع واحدی طرف سرو کار نداشتند. خوشبختانه این موضوع نیز در قطع نامه عمومی کارکنان بانک اشاره شده است.

دیگر اینکه بانک کشاورزی باید در نقاط روستایی دورافتاده هم فعالیت کند و به داد دهقانان برسد یکی دیگر از مواردی که بنظر ما می‌باید حتماً به آن توجه داشت و متأسفانه در قطعنامه سمینار کارکنان مورد توجه قرار نگرفته این است که معیار میزان مالکیت جهت میزان وام باید لغو گردد. در ارتباط با این موضوع باید به ارگانهای مردمی و محلی از قبیل شوراهای ده و اتحادیه های دهقانی تکیه شود و از طریق این دستگاههای مردمی وام در اختیار متقاضی روستا قرار گیرد تا از هر گونه تبعیض و همچنین استفاده غیر تولیدی جلوگیری گردد و همه افشار روستا بتوانند از وام استفاده کنند. دادن وام بوقوع و پائین بودن سطح بهره از دیگر مواردی است که بانک کشاورزی می‌باید به آن توجه کند تا به یک بانک مردمی تبدیل شود.

نامه زیر از شیراز به دفتر روزنامه رسیده که درد دل‌های یک کارگر بیکار را منعکس می‌سازد. ما عیناً آن را چاپ می‌کنیم:

"حدود ۴۵ سال سن دارم. قبلاً مدت ۱۰ سال در گاز امید کار میکردم و در آن جا ماهی ۱۵۰ تا ۱۵۰ تومان ممکن بود بگیرم بیاد. بعد در شرکت اتمی (بوشهر) مشغول شدم. شغل ما آنجا نظافتی بود. از شروع انقلاب به این طرف آن شرکت تعطیل شد. حالا دو سال است که بیکارم. در این مدت به مراجع مراجعه کردم تا آنکه خدا کند کاری بدست بیاورم. و در مدت بیکاری پس اندازی نداشتم چون با روزی ۳۰ یا ۴۰ تومان و خرج زیاد نمی‌توانستم بولی پس انداز کنم. حالا یکی دو هفته است که برای پیدا کردن کار از بوشهر به شیراز آمدم و تا حالا کار ثابت پیدا

نکرده‌ام. خدا میداند در این شهر غریب با بی پولی و بیکاری چه به سرم می‌آید. این مدت دو سال هم از طریق دست فروشی، سیگار کبریت و آدامس فروشی امرار معاش کردم.

دلم میخواهد شما درد دلم را به تمام زحمتکشان ایران برسانید و در روزنامه تان چاپ کنید. میخواهم درد دلم را به تمام کارگران ایران برسانم تا با برادری همدیگر و گذاشتن دست در دست همدیگر بتوانیم یک روز با همبستگی همدیگر زندگی بهتر برای خود بسازیم. ما زحمتکشان در دنیا به جز دو بازوی خود و رنج و مشقت چیز دیگری نداریم و برای نجات از بیچارگی و بدبختی کاری به جز اطلاع از وضع یکدیگر و اتحاد و همدلی یکدیگر سلاحی در دست نداریم تا شاید بتوانیم روزی نجات پیدا کنیم."

کار که مورد حمایت شورای انقلاب است ما نمیتوانیم کاری برای شما انجام بدهیم.

قانون کار ارتجاعی دوران طاغوت، علی‌الخصوص ماده ۲۲ آن که به سرمایه‌داران اجازه میدهد تا با خیال آسوده کارگران را اخراج کنند، همچنان شمشر در دست سرمایه‌داران و بوروکراتها برای خانه خرابی کارگران است. دولت و مسئولین بوروکرات آن تا با امروز ثابت نمودند که هیچگونه مسئولیتی را برای مقابله با اخراج بیکاری و تامین زندگی کارگران، بعهده نمی‌گیرند و کارگران نیز نمیتوانند در مقابل این خانه خرابی و ستم ساکت باشند و دم زنند.

کارگران متشکل در سندیکها و شوراهای کارگری باید متحداً در برابر توطئه اخراج مقاومت و مبارزه نمایند. تشکل کارگران در تشکلات‌های کارگری نظیر سندیکها و ایچساد اتحادیه‌ها مبارزه یکپارچه آنان تنها ضامن در هم شکستن دیسسه‌های سرمایه‌داران و بوروکراتهای همدست آنان است.

بهار (از بخشهای همدان) سالهاست که خالی از سکنه گشته است. جایان در گذشته دارای ۵۰ خانوار بود که تعداد کمی از آنها خوش نشین بوده‌اند. این روستای زیبا در جنوب غربی دامنه کوههای الوند قرار دارد و دارای زمینهای وسیع حاصلخیز می‌باشد که اکنون فقط حدود ده در صد آنها کشت می‌شود. این زمینها میتواند محصولات بسیار متنوعی بدهد که از جمله بوستان‌کاری، سیفی کاری، غلات و حبوبات می‌باشند. سالها قبل اهالی این روستا، بواسطه سیاست‌های امپریالیستی "انقلاب" سفید، آنرا رها کرده و به بهار همدان کوچ کردند و مشغول کارهایی از قبیل نقاشی ساختمان، بنایی و کار در واحد های صنعتی همدان گشتند. با تحقیقاتی که انجام گرفته اهالی

داخلی کشاورزی عمل کنند. اما ساختمان و روابط و مقررات آن مانع از این بود که بانک بطور کامل به

خدمت دهقانان کشور و میهن باشد.

روستائیان «ده چایان» (همدان) میخواهند به‌ده خود باز گردند

ده چایان یکی از توابع بخش بهار (از بخشهای همدان) سالهاست که خالی از سکنه گشته است. جایان در گذشته دارای ۵۰ خانوار بود که تعداد کمی از آنها خوش نشین بوده‌اند. این روستای زیبا در جنوب غربی دامنه کوههای الوند قرار دارد و دارای زمینهای وسیع حاصلخیز می‌باشد که اکنون فقط حدود ده در صد آنها کشت می‌شود. این زمینها میتواند محصولات بسیار متنوعی بدهد که از جمله بوستان‌کاری، سیفی کاری، غلات و حبوبات می‌باشند. سالها قبل اهالی این روستا، بواسطه سیاست‌های امپریالیستی "انقلاب" سفید، آنرا رها کرده و به بهار همدان کوچ کردند و مشغول کارهایی از قبیل نقاشی ساختمان، بنایی و کار در واحد های صنعتی همدان گشتند. با تحقیقاتی که انجام گرفته اهالی

روستائیان در پی بازگشت به خانه و زمین خود هستند. این عمل آنها باعث رشد تولید و از بین رفتن حاشیه‌نشینی می‌شود. بدین لحاظ روستائیان باید بتوانند با اطمینان خاطر به کشت بپردازند. آنها باید مالک زمینی باشند که روی آن کار می‌کنند. آنها باید از تسهیلات و امکانات دیگر برای کشاورزی بهره مند گردند. علاوه بر شکستن قوانین خشک و طاغوتی و مقابله با زدوبند های متنفذین و اخلاص گری های زمین داران بزرگ محلی تنها راه رسیدن به اعداقتان می‌باشد. تشکیل اتحادیه‌های دهقانی و تشکل روستائیان زحمتکش تنها وسیله رسیدن به این هدف است. روستائیان باید با کنار گذاشتن اختلافات جزئی متحد شوند و برای احقاق خواستهای خود مبارزه کنند.

مبارزه با چپ‌نماها

است. گروههای دیگر چپ‌نما و مسلمان نما بویژه طرفداران صادق آنان بعلمت انحراف سیاسی - ایدئولوژیک یادچار کرنش در برابر ابرقدرت شرق گشته‌اند و یا به دشمنی با روند جنبش خلق برخاسته‌اند. ما معتقدیم برخورد به این جریانات می‌باید بر اساس اصلاح عناصر صادق و طرد سران سرسخت آنان صورت گیرد.

در مبارزه علیه "چپ‌نماها" مساله اساسی، مسلح شدن خلق از نظر ایدئولوژیک و سیاسی علیه نظرات انحرافی آنان است. این امر بویژه در میان دانشجویان و محیط دانشگاهها ضروری است. تنها با شناساندن چهره انقیاد طلبی چپ‌نماها، دروغیسن بودن شعار آزادیخواهی آنان و بالاخره توخالی بودن انقلابی‌گری کاذبشان، میتوان پایگاه آنان را در میان دانشجویان (جوانانی بسا

صداقت و احساسات بسیار و تجربه و دانش اندک) از میان برد. و مانع این امر گردید که طیف وسیع نیروهای سینا بینی که هنوز به هیچ دسته‌ای تعلق ندارند، به دام آنها بیفتند.

مساله "آزادی و دمکراسی" در جامعه و دردانشگاهها برای ما در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه سیاسی با انحرافات مفهوم می‌یابد. "آزادی" می‌باید در خدمت رشد فکری و سیاسی توده‌ها و در خدمت مسلح شدن اندیشه آنان در جهت مبارزه برای استقلال، و علیه انقیاد طلبی قرار داشته باشد. "آزادی" باید کمک کند تا وابستگان بسسه امپریالیسم و سران سرسخت چپ‌نماها افشا و طرد شده و طرفداران نظرات انحرافی اصلاح گردند. بنابر این مفهوم آزادی و دمکراسی با "لیبرالیسم" و بی‌پندوباری سیاسی که چپ‌نماها تبلیغ کنند، متفاوت است آنان از آزادی در خدمت انقیاد طلبی و اخلاص در کار

تحکیم دولت ملی استفاده، میکنند آزادی واقعی درست در جهت عکس آن، برای مسلح شدن توده‌ها و خلق سلاح چپ‌نماهاست.

در حال حاضر که انقیاد طلبان، به رهبری هواداران باند گیانوری دانشگاه رادر انحصار خود گرفتند و افکار انقیاد طلبانه خود را به "آزادی" تبلیغ کرده و با سانسور و سرکوب استقلال طلبان حق دمکراتیک توده‌های دانشجو را پایمال میکنند (برجیدن ستاد آنها این مساله را البته بطور اساسی حل نکرده است)، آزادی فعالیت سیاسی و دمکراسی واقعی و وسیعی باید حاکم شود که به کمک آن توده‌های استقلال طلب دانشجو که اکثریت را تشکیل میدهند قادر شوند انحصار و دیکتاتوری انقیاد طلبان را درهم شکسته خود را از همه نظر مطلع و آگاه نموده و برای حفظ استقلال در همه زمینه‌ها، سدی مقاوم در برابر هرگونه انقیاد تشکیل دهند.

کاخ سفید

عبارت بودند از ظاهر سازی باصطلاح کوشش آمریکا در دفاع از قراردادهای بین‌المللی. زیرا کارتر و ونس نماینده گان منافع امپریالیسم آمریکانیز که دشمنی شان با انقلاب ملت مارا زیر پوشش دفاع از قوانین بین‌المللی موجه جلوه می‌دادند. اما کارتر بدون ونس عبارتست از تلاش یک کارگر از امپریالیسم آمریکا به قیمت و بهسر جهت برای انتخاب شدن مجدد. و در این راه حماقت عافروان خواهد بود.

استعفای ونس شکست بسیار بزرگی است برای دم و دستگاه کارتر دامنه‌این شکست تنها به هیات حاگمه آمریکا خلاصه نمی‌شود بلکه مردم آمریکا را شدیداً تحت تاثیر قرار خواهد داد. کارتر که توانسته بود با استفاده از ساله گروگان ها یک جو جنگ طلبانه در آمریکا بوجود آورد، اکنون با عکس العمل معکوس روبرو می‌شود. بخصوص که کارتر اعلام کرده بود تا ۱۷ ماهه به هیچ گونه اقدام نظامی دست نخواهد زد. علاوه نارضایتی کشورهای اروپایی نسبت به آمریکا تشدید میشود چه آنها میدانند که یک

دیوانگی کارتر میتواند باعث گردد جریان نفتی بر روی آنها حداقل برای مدتی بسته شود. آنها بدین ترتیب حس می‌کنند که آمریکا در مورد مسائل حیاتی آنها خودسرانه تصمیم میگیرد و اجرا میکند.

کشورهای جهان سوم نزدیک ویا متمایل به آمریکا نیز به موقعیگیری شدیدتر علیه اقدامات ماجراجویانه آمریکا کشیده می‌شوند. و در یک کلام میتوان گفت اقدام نظامی آمریکا و استعفای ونس نشاندهنده انفراد هر چه بیشتر دم و دستگاه کارتری در آمریکا و جهان است.

در این شرایط ملت ما و جمهوری اسلامی چه وظیفه‌ای دارند؟ روشن است که امپریالیسم آمریکا نقشه‌های تجاوزگرانه خود را ادامه خواهد داد و در پی فرصتی برای اجرای مجدد عملیات مشابه خواهد بود. در هر حال عملیات نافرجام گذشته جنبه تمرین برای تجاوز آینده نیز داشته است. وظیفه ملت ما این است که بیش از همه در فکر وحدت درونی باشد، امری که علیرغم بحث های فراوان تاکنون گام های عملی لازم درباره اش بر داشته شده‌است. در حال حاضر باید جنبه وسیع نیروهای ملی را از زحمتکشان گرفته تا صاحبان صنایع ملی و تجار ملی تحکیم نمود و برای

مقابله با تجاوز آمریکا، از هرمنظر (نظامی، اقتصادی، فرهنگی) خود را آماده کرد. باید ارتش ملی را تقویت نمود، ارتش ۲۰ میلیونی را با سرعت بیشتری سازمان داد و پاسداران را نیز تقویت کرد. باید تولید را با مشارکت همه مردم به سرعت و از روی برنامه بکار انداخت. باید دانشگاه و آموزش و فرهنگ علمی، توده‌ای و ملی را بوجد آورد. باید حاکمیت دولت ملی را برقرار ساخت و به تعدد مراکز تصمیم گیری و قدرت، خاتمه داد.

همچنین در سطح جهانی با توجه به اینکه تضادها و شگافهای درون امپریالیسم با این شکست مفتضحانه کارتری بیشتر شده است، باید سیاست جلب کشورهای اروپایی و انفراد آمریکا را دنبال کرد و از انقلابیگری کاذب همه را به یک جوب راندن حذر کرد. باید بجای اینکه آمریکا مارا در محاصره قرار دهد، ما آمریکا را در محاصره قرار دهیم. و سرانجام باید، واقعا متنی به خود بود و در مبارزه با ابرقدرت آمریکا به دام ابرقدرت شوروی نیفتاد و سیاسی انفراد دو ابرقدرت، وحدت با جهان سوم و جلب جهان دوم (اروپا، ژاپن و کشورهای استقلال طلب اروپای شرقی مانند رومانی و یوگسلاوی) را تقویت نمود.

مواضع اجمالی حزب رنجبران ایران درباره دفاع و امنیت ملی (۱)

سند ارائه شده به سمینار
خدماتی دانشگاه دفاع ملی

میداد نفی کرده و از انقلاب طلب میگردند دنبال چیزی روند که وجود نداشت. نتیجهی عملی حرف آنها این میشد که رژیم جمهوری اسلامی ایران فاقد نیروی مسلح گردد زیرا با آنچه که بود مخالف بودند و آنچه را که طلب میکردند وجود نداشت. در اینجا بحث ما بر سر نیت آنها از طرح چنین مسئلهای نیست بلکه تنها نشان دادن معنی و مفهوم حرف آنها از نظر منافع رژیم است که از یک انقلاب

وسیع سیاسی بیسابقه زاده شده است. آنها میگفتند و هنوز هم میگویند که ساختمان این ارتش امریکایی است و بنابراین از میان بردن آن پروراندن مار در آستین است، و این ارتش در سرفرصت مناسب کودتا خواهد کرد. لیکن آنها غافل از تحول بزرگی که بصورت انقلاب اسلامی در کشور مابوقوع پیوسته است میباشند و نمیفهمند که اگر توازن قوا آنطور بود که امریکا و عمالش توان کودتا را داشتند، رژیم وابسته بخود را حفظ میکردند. آنها نمیفهمند که این تحول بزرگ سیاسی در کشور در همدی سطوح زندگی اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی جامعه ما و منجمله نهادهایی چون نیروهای مسلح تاثیر خود را نموده والا ارتشی چند صد هزار نفره و مسلح به مدرن ترین سلاحها در مقابل مردم بیسلاح بیعت نمینمود. بدین ترتیب انقلاب اسلامی ایران بدرستی ارتش پیوسته به انقلاب را حفظ نمود و کوشش کرد در جهت نوسازی و آموزش و سازماندهی جدید آن گام بردارد.

اما این امر با مشکلات و موانع متعددی روبرو بوده است. از وجود موانع عینی ناشی از درهم ریختگی های پس از انقلاب تا وجود نظرات انحرافی از "جیب" و راست که گاه بسبب برخورداری از موقعیت انحصاری، خدمت باعث ضلوع، حاد،

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی و برقراری حاکمیت سیاسی ملی و مردمی جمهوری اسلامی ایران، بعزت و بزرگیهایش همراه با خود مسائل مختلفی نیز دربارهی نهادهای ضروری و حیاتی رژیم سیاسی کشور بوجود آورد. از جمله این مسائل مسئلهی نیروهای نظامی کشور بود. در بسیاری کشورهای جهان انقلاب به آن صورت عملی گردیده که نیروهای انقلابی خلق ناچار به رویارویی طولانی نظامی با قدرت حاکم شده و با از میان برداشتن ارکان قدرت حاکم و در درجهی اول قوای نظامی آن، قدرت سیاسی را بدست میگیرند. اما سیر تکاملی انقلاب اسلامی ایران بنوعی دیگر جلو رفت انقلاب بیش از آنکه جنبه مبارزه مسلحانه داشته باشد، بقدرت نمایی روز افزون یکسال و نیمه ی توده های خلق از جان گذشته که در راه هدف و ایمان خود در برابر رژیم درآمده و عاجز، جسارت و شهادت رابه اسلحه های قدرتمند تبدیل کرده بودند، مبدل گردید.

ارتش تحت فرمان رژیم منقر و وابسته حاکم بعزت ترکیب اجتماعی و در نتیجه متزلزل شدن اعتقادات موجود در آن بعزت حرکت بزرگ انقلابی توده های خلق و همچنین نقش

بسیار مهم سیاستهای خدمتدانه رهبری انقلاب، سرچا تجزیه شد تا جایی که در قیام ۲۲ بهمن ماه بجز مشت قلیلی سرسپردهی جیره خوار، بقیه ی ارتش بر مردم وفاداری خود را نسبت به انقلاب اسلامی ایران اعلام داشت. در این وضع انقلاب اسلامی ایران به غیر از چند صد هزار نفر از توده های عادی مردم که در روزهای قیام بدون سازمان یابی مسلح شده بودند و نیروهای مسلح ارتش که میتوان گفت عمدتاً به انقلاب پیوسته بودند، نیروی

خود بیش از پیش آگاه میسازد. زیرا نه کشور ما و نه هیچ کشور دیگری نمیتواند و نباید دچار خوش خیالی باشد. ما نافتنی جدا بافته نیستیم خصوصاً وقتی که موقعیت کشور خود را دریابیم و بفهمیم که در کجا قرار داریم. در دوره ی معاصر دو جنگ جهانی رخ داده است. هر دو بار کشور ما بیطرف بود ولی هر دو بار به این یا آن دلیل کشور ما به اشغال نظامی درآمد و این باید ما درسهای زیادی بدهد.

همانطور که گفتیم مهمترین مطلب در این میان یافتن دشمنان و دوستان ما در این وضعیت میباشد. زیرا بدون جواب به این سؤال میتوان گفت ما کورگورانه عمل خواهیم کرد و نتیجه ای جز شکست به بار نمیآید. دشمنان استقلال و آزادی و انقلاب اسلامی ایران بطور کلی امپریالیسم و طبقات و اقشار وابسته به آن و عمال آنها هستند. لیکن این کلی است و باید آنها را مشخص کرد. امپریالیسم یک پدیده ی واحد و یکدست نیست، از اجزاء و کشورهای متعددی تشکیل گردیده که طبق تجربه بارها به جنگهای خونین با یکدیگر دست زده اند و دارای منافع متضادی هستند. بنابراین باید از این میان کلی بیرون آمده و روشن کرد دشمن اصلی ما در میان همهی این کشورهای امپریالیستی کدام است و اکنون خطر از کدام سوی ما را تهدید میکند. یکسری کشورهای امپریالیستی مهم جهان را در نظر آمریکا، شوروی، انگلستان فرانسه، ژاپن و آلمان. همهی اینها از لحاظ اقتصادی در مقیاس مختلف، خلقها و کشورهای جهان سوم را استثمار میکنند و منابع ملی شان را بقارت میبرند. ولی آیا استقلال کشورهای جهان سوم توسط همهی اینها بطور

حکم میکند که نمیتوانیم. اما دربارهی امریکا و شوروی اینرا نه تنها نمیتوانیم بگوئیم بلکه واقعیات اینرا بنا نشان میدهند. گمان نمیرود در مورد امریکا شک و تردیدی باشد. در مورد شوروی هم که کسی که بس از همهی دست اندازیها،

کودتاهای روسی و اشغال افغانستان و حوادث کردستان و... با زهم چشم خود را ببندد باید گفت از سیاست چیزی نمیداند. سال گذشته قبل از ورود ارتش اشغالگر شوروی به افغانستان حزب رنجبران ایران بارها اخبار نقل و انتقالات و تمرکز قوای شوروی در مرزهای افغانستان را افشاء کرد ولی عمال شوروی در ایران گفتند اینها شایعه است اما وقایع نشان داد که حقیقت در نزد ما بود. اکنون نیز اخبار نقل و انتقالات قوای شوروی در مرزهای شمالی ایران بخش میشود و با زهم گرمین و نوکرانش میگویند شایعه است.

چه کسی میتواند انکار کند و این واقعیت ایرانی کند که جمهوری اسلامی ایران که جلوی نوظطندهای امریکای جنایتکار بطور استواری ایستاده و به جهانیان بویژه کشورهای ستمدیده، سیمای کثیف این ابرقدرت را عریان کرده است و قرارداد دو جانبه ی نظامی را با آن لغو نموده است، جلوی غارت گاز طبیعی ایران توسط شوروی را میگیرد، بند ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ را فسخ میکند، مبلغ و بیستاز شعار نه شرقی نه غربی میبندد، الهام بخش برای ملل جهان در مبارزه علیه ابرقدرتهاست و میخواید سدی محکم در مقابل با تجاوز و تعدی باشد، مورد نفرت و فشار دوا بر قدرت آمریکا و شوروی قرار نگیرد؟ دو ابرقدرتی که در رقابت افسار گسیخته ای با هم قرار دارند.

رقابت آنان بر سر این با آن

ریپر تاژ از آن من کام خبر نگار فرانسوی

در افغانستان اشغال شده (۱)

کودکان روسی زیر حمایت کلاشینکف بمدرسه میروند

وقتی از دور به اوضاع می نگریم تصور می کردیم که مقاومت تنها در روستاست و در کابل هیچ حرکتی وجود ندارد و خبر مهبی نمی گذرد. بعد ناگهان شاهد یک انفجار توده ای بهمراه امتصابات و تظاهرات بودیم. آنچه که در کابل جلب توجه می کند حضور روس ها در ۲ شکل مختلف می باشد. نخست حضور سیاسی در جاده گاردنر، جاده شمالی منطقه سالانگ، جاده نظاری شریف که به طرف شوروی کشیده شده است. جاده جلال آباد. و تمام خروجی های اصلی کابل در اشغال اردوگاههای روسی مجهز به وسایلی برای پست گیری از حملات احتمالی هستند. این اردوگاهها در اطراف جاده و در طول چند صد متر و حتی کیلومتر مستقر هستند. توپ های مختلف، تانک های بسیار (که از ۵۰ تا ۲۰۰ تانک را شامل میشود) و با همان مقدار توپ و یا حتی بیشتر که کوشش شده در زیر برف پنهان باشند.

اردوگاهها دارای درجات اهمیت متفاوتند. بعنوان مثال در جاده جلال آباد مواضع روسی مستقر بوده و خندقهایی حفر شده بود البته این خندق ها تنها برای توپ و ابزار جنگی نبوده بلکه برای استفاده نفرت نیز حفر شده است. در این مدت ما شاهد افزایش آشکار تجهیزات نظامی شوروی بودیم، چه در زمینه نظرات و چه در زمینه وسایل جنگی. آنچه که در پشت صحنه چشم میخورد نیز عبارتند از جولان روزانه آنتونوفها که وسایل جنگی را به کابل می آورند و هم چنین پرواز هلیکوپترها از فرودگاه کابل به قصد بمباران مناطقی که حدس زده میشود در دست شورشیان است.

بک محاصره واقعی

بنابر این کابل را باید در محاصره واقعی اردوگاههای مستقر در اطراف شهر دانست. به وضوح دیده میشود که این مساله جنبه پیش گیری دارد زیرا که توپها به طرف خارج مستقر شده اند ولی همانطور که به ما گفته شد و ما نیز خود متوجه شدیم برخی از آنان به طرف کابل و طرف پادگان های افغانی مستقر شده اند تو گویی که روسها هنوز منتظر یک عکس العمل خصمانه از سوی ارتش افغانستان هستند.

گاهی اوقات انفجاراتی صورت می گیرد که شبیه بمباران ویا برتاب خمپاره است. هر بار مقامات روسی چنین توصیه می کنند که تعلیمات نظامی است. برای یک خبرنگار بسیار مشکل است که به صحت و سقم آن پی برد و شاید هم غیر ممکن باشد زیرا که از اوتال فوریه بسیار مشکل بود که بتوان از محدوده کابل خارج شد بدون اینکه به کنترل و مواظبتی که سربازان روسی مستقر کرده اند برخورد نکرد. من نیز مانند همکارانم چندین بار در هنگام خروج از کابل توسط روسها دستگیر شدم و طبیعی است که عموما وقتی دوربین عکاسی و یا فیلمبرداری پیدا می کردند، فیلم را از درون آن ها خارج می ساختند و تازه اگر خیلی شانس می آوردیم که همه وسایل ما را نمی گرفتند.

صلح سازمان یافته دیگری در اختیار نداشت. رژیم انقلابی مبیایست چه موضعی را در قبال ضرورت حیاتی دفاع نظامی از دستاوردهای انقلاب اختیار میکرد و با وضعیت عینی بوجود آمده کدام موضع درست بود و بیش از هر چیز خود زندگی صحت چه چیز را حکم میکرد؟

جواب یک چیز است و آنهم اساسا همان که امام داد. یعنی "ارتش برادرماست". آیا این امر در تاریخ مبارزات اجتماعی و سیاسی جهان بی سابقه بود؟

از یک جنبه آری و از جنبه دیگر خیر. از این جنبه که یک ارتش تقریباً در اساس خود به انقلاب مردمی زجر دیده و ستم کشیده بیبوندند، آری بیسابقه بود، چنانچه بسیاری از ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران در تاریخ بیسابقه بوده است. اما از جنبه اینکه نمونههایی بطور نسبی قبلاً هم وجود داشته است. خیر. مثلا ما در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه تزاری پیوستن سوتنهای بزرگ و گاه پتینین

کنندهای از ارتش تزاریسم به صفوف انقلاب راداشتهایم "کار"، مورخ انگلیسی میگوید بیش از نصف افسران ارتش تزاری به ارتش شوروی پیوستند بنابراین از این جنبه میتوان گفت که بعضی سوابق نسبی هم در تاریخ انقلابات جهان وجود داشته است. علاوه بر این، نکته فوق الذکر یعنی ترکیب اجتماعی بدنه ارتش رژیم ساقط شده که عمدتاً از زمینکنان و طبقات متوسط پایین جامعه، اعتقادات اسلامی و سن آزادی طلبانه و ملی گرایانه و یک سابقه وجود جریان مبارزه ملی گرایانه و ضد امپریالیستی در صفوف ارتش نیز وقوع این امر را چیزی خارج از عقل و منطق سلیم، منطبق با واقعیات قرار نمیدهد.

آنها هر چند که این حقیقت از جانب توده‌های عظیم و تعیین کننده ملت ایران مورد قبول واقع شد لیکن جریانهای انقلابی نمای "چپ" و "مسلمان" از همان آغاز مانند بسیاری زمینه‌های دیگر علم مخالفت برداشته و خواستار انحلال ارتش پیوسته به انقلاب و ایجاد اصطلاح "ارتش خلقی" شدند. آنها چیزی را که بصورت یک حقیقت اجتماعی و تاریخی بوجود پیوسته و در عرصه جدال زندگی صحت خود را نشان

انحصاری خویش باعث ضررهای جدی گردیده است. در آخر صحبتها "چپ" و راست انحرافی برداشته و نتایج آنرا نیز نشان دهم.

۱- اوضاع کنونی و وظائف نظامی انقلاب اسلامی

بکسانی مورد تهدید است؟ خیر اینطور نیست. مثلا "قدرت نظامی و سیاسی و اقتصادی آنها را در نظر بگیریم. آمریکا و شوروی در ردیف اول قرار میگیرند. اما فاصله‌ی بقیه این کشورها در زمینه اقتصادی هر کدام در حدود یک پنجم و یک سوم و در زمینه نظامی بیک دهم دو ابر قدرت هم نمیرسد. مثلا فرانسه، انگلستان و آلمان بدون چتر دفاعی آمریکا در مقابل قدرت نظامی شوروی زیاد بحساب نمیآیند و با تمام ارتش‌های اروپا رویهم به نصف قدرت ارتش شوروی هم نمیرسند. قدرت سیاسی این کشور های امپریالیستی اروپا و ژاپن نیز قابل مقایسه با دو ابر قدرت نیست. هنوز هم اروپا و ژاپن نمیتوانند بدون مواجهه شدن با فشار سیاسی آمریکا، حتی سیاستهای مستقل خود را جلو برند. مثلا در مورد محاصره اقتصادی ایران، در حالیکه به روشنی معلوم است اروپا و ژاپن نمیخواهند مناسبات خود را با ایران بهم زنند. اما زیر فشار آمریکا یا لا و یا تین میروند. مشخص تر بررسی کنیم. در خاور میانه هر چند که اروپا و ژاپن از نظر اقتصادی حضور دارند ولی آیا آنها در خاور میانه دارای نقشی در تغییر اوضاع و اعمال سیاست مشخص هستند؟ نه زیرا توانایی اقتصادی شان محدود است و قدرت نظامیشان اصلا در آن سطحی نیست که بتوانند بزور چیزی را دیکته کنند. برعکس آمریکا و شوروی نه تنها حضور اقتصادی دارند بلکه دارای حضور نظامی قوی، دارای رژیمهای وابسته بخود و بخشهای زیر نفوذ خود هستند.

شوروی حتی افغانستان را هم اشغال نظامی نموده است و ناوگانهای هر دو ابر قدرت در پشت دروازه خلیج فارس اوضاع را زیر نظر دارند. در حالیکه امپریالیستهای اروپا و ژاپن فعلا توانایی ابر قدرت شدن را ندارند، آمریکا و شوروی دو ابر قدرت (یعنی کشورهای امپریالیستی بزرگ و قدرتمند از لحاظ اقتصادی و نظامی) اند که مسئله شان تسلط بر جهان است و همه دنیا را مرز با اصطلاح امنیت و منافع خود می‌شمارند!

حالا با وجود این ها آیا ما میتوانیم بگوئیم کشور ما از جانب ژاپن یا آلمان غربی و اطالم مورد تهدید قرار گرفته است؟ عقل سلیم

رقابت آنان بر سر این است. منطقه‌ی جهان نیست بلکه بر سر آقایی بر تمامی مناطق جهان است. رقابت تسلیحاتی آنان و تدارکات جنگی شان هم اکنون اتش جنگهای تجاوز کارانه، جنگهای سلطه گرایانه منطقه‌ای، جنگهای داخلی و تشویق و تشجیع مرنجیان برای جنگ افروزی از شرق آسیا تا قلب آفریقا را بر افروخته‌اند. در جاهایی چون افغانستان خود مستقیماً و آشکارا و با کمال وقاحت دست به لشکر کشی زده‌اند. میلیونها سرباز و دهها هزار تانک و هواپیمای جنگی و صد ها کشتی زیر دریایی اتمی و غیر اتمی در مناطق مهم جهان مستقر ساخته‌اند. در خاور میانه این منطقه کلیدی نیز چه از لحاظ استراتژیک و چه از نظر منابع عظیم انرژی از اوضاع را سخت و متشنج و بحرانی ساخته‌اند. کشور ما نیز در این منطقه حساس جایی بس مهم را داراست و بنابراین جای شک و شبهه‌ای نمیماند که باید دفاع ملی خود را که اساساً در برابر دو ابر قدرت است در این جهت آماده سازیم. هر نوع سستی و لاقیدی در این امر یک فاجعه ملی محسوب میگردد و باید با قاطعیت و قطعیت و سرعت بر طرف گردد. اینکه امروز رژیم فاشیستی بعث عراق راه‌های بوجو ابلهانه‌ای را طرح کرده و قصد تعرض به میهن ما را دارد، بمصداق شعر مولانا که میگوید زمین لرزه در اعماق دریا، سخنها نمایی ز امواج، نشانه نگرانی زلزله آسانی است که در نتیجه این اوضاع متشنج و آستان انفجار بوجود آمده است. در این اوضاع است که ره نمود امام برای ایجاد ارتش بیست میلیونی خلق سخنی است که از دل واقعیات بر خاسته و بنابراین هم بردل مینشیند. و خلقی انقلابی و آماده‌ی فداکاری را بحرکت در میآورد. حرکتی که در صدر آن شعار نه شرقی، نه غربی یعنی مقاومت در برابر هر دو ابر قدرت در اهتزاز است. توده‌ها عاقل اند و سازنده‌ی واقعی تاریخند. این اعتقاد ماست و این حرکت عظیم نه شرقی، نه غربی توده‌های خلق را ما بزرگترین دلیل در انعکاس این واقعیت که با چه کسی روبروئیم و وظیفه‌مان چیست میدانیم.

باقیه در صفحه ۵

می ساختند و تازه اثر خیلی تاسی می‌آوردیم که همه وسایل فارغی گرفتند. همه اینها پشت صحنه فعالیت های نظامی را تشکیل می‌داد و البته باید اضافه کرد که به غیر از این موارد بیگرد های فراوانی نیز در کابل انجام می‌گرفت. به این معنی که هر شب از ساعت ۲۳، یعنی هنگام آغاز آتش بس زره پوشهای روسی در هر یک یا ۲ چهار راه کابل موضع می‌گرفتند. حدود ۳ هفته است که در مدت روز هم بیگردهایی توسط زره پوشها و وسایل حمل و نقل نیروها و "ت. پ. ت." هایی که در جهات مختلف شهر در حرکت کنند، انجام می‌شود. این خود جنبه تازه فعالیت، را تشکیل می‌دهد.

تاکتیک روسها

چند روزیست که پدیده جدیدی به‌ظهور رسیده است. قبلا روسها واقعا در ایجاد نظم تنها بودند ولی هم اکنون حدود ۳ هفته است هر بار که شوروی ها در سر یک راه مستقر می‌شوند، سربازان افغانی نیز با گروههای ۲ نفری و مسلح به کلاشینکف در کنار آنها به مراقبت می‌پردازند. این یک امر جدید به نظر می‌آید زیرا که تا قبل از آن امکان نداشت بتوان یک سرباز افغانی مسلح را در کابل دید. چنین به نظر می‌آید که یک مرحله تصفیه در ارتش صورت گرفته و کم کم ارتش نمایان شده است. در ضمن برای روس ها حائز اهمیت است که نشان دهند که با وجود کلیه مسائل موجود ارتش افغانستان در کنار آنهاست. قرار دادن ارتش افغانستان در جلو و ارتش روسیه در پشت سر از لحاظ تاثیر روحی آن بر مردم اهمیت زیادی برای روسها دارد. این مساله بیشتر به یک تاکتیک شبیه است.

در شرایط ضروری نخست ارتش افغانستان دخالت می‌کند و سپس اگر اوضاع آنطور که می‌خواهند پیش نرفت روس ها دخالت می‌کنند و جای آنها را می‌گیرند و طبیعی است که این مداخله با تمام وسایلی که در اختیار دارند صورت می‌گیرد یعنی با هلیکوپتر، میگ و دیگر وسایل. در شهرستانها چنین بد نظر می‌آید که فرارهای مکرر از ارتش افغانستان باعث ضعف آن گردیده است.

محله میکرو رایان

یکی دیگر از جنبه های حضور شوروی وجود مستشاران شخصی است که تقریباً در همه جا در ادارات وجود دارند. این مستشاران با خانواده‌های خود در محله میکرو رایان سر راه خروج از کابل در حوالی چاده جلال آباد زندگی می‌کنند. این محله از نوع محله‌هایی است که در آنها تعداد زیادی ساختمان مسکونی نسبتاً مدرن و آرازان قیمت ساخته شده است که تقریباً جنبه سنتی دارند. ولی در کابل نظیر آن بسیار بچشم می‌خورند (تنها ساختمان های مدرن شهر از نوع غربی هستند). در این محله قطر روسها زندگی می‌کنند. ما دور آن را گشتیم، حدود ۱۰ ساختمان در آنجا وجود داشت که هر کدام ۵۰ واحد مسکونی داشتند که در مجموع حدود چند هزار واحد مسکونی را تشکیل می‌داد. این محله جدید نیست و در زمان رژیم رزمی مشغول وجود داشت. ساختمان های جدیدی در حوالی ساختمانهای مسکونی مشغول ساختمان بودند و منطقه در حال گسترش بود. در داخل میکورایان حدود ۱۰ تانک در حیات ساختمانها مستقر بودند. حفاظت همه جا بود. مسلماً کودکان روسی برای رفتن به مدرسه سوار اتوبوسی می‌شدند که تحت حفاظت افراد شخصی مسلح به کلاشینکف بود که پراحتی دیده می‌شدند. طبیعتاً تشریح آن به مراتب از عکس گرفتن از آن آسانتر است!

آیا دولت تا اکنون کوششی در جهت سازماندهی توده‌ها به نفع خویش نموده و یا سازمانهایی از گروههای مختلف مردم بوجود آورده است؟ مثلا از نوع کمیته های محله که در کابل وجود دارد؟

مشکل است که بتوان به آن پی برد و این سوالی بود که برخی از ما روزنامه نگاران از وزارت اطلاعات نیز پرسیدیم. ما چنین گفتیم: "گوش کنید ما از طرف مطبوعات بین المللی آمده‌ایم و برای کار ما مهم است که بتوانیم انقلاب شما را ببینیم، آن را با نشان دهیم!" هر بار که این سؤال را می‌کردیم بیا می‌گفتند که در شرایط فعلی امکان نشان دادن آن نیست. ما از آنان خواستیم که ما را در میتینگهای محله‌ای، یا کارزار سواد آموزی و یا احیانا در جایی که فرمهای ارضی در جریان است شرکت داده تا از آنها باز دید کنیم و ببینیم که آیا کمیته های محلی یاد شده وجود دارند یا نه؟ ما از آنان خواستیم تا ما را به میتینگ ها ببرند. هر بار به ما گفتند که خواست شما زیاد جالب نیست و باید به مسائل فوری تری که ارجحیت دارند برسیم.

ادامه دارد.

باند کیانوری

مدال " همدار " در مورد تجاوز نظامی رابه سینه پلید خود نصب کند، چه این دارودسته خود بهترین داروی مخدر مردم را در برآوردن و زنجار نظامی دوا بر قدرت و همچنین آمریکادر جامعه ما پراکنده و می پراکند. ۲- ایجاد اغتشاش بسراسر تضعیف حکومت

اما خیانت دارودسته کیانوری به همین جا ختم نمیشود. این دارودسته ادعا میکند که همیشه علیه اغتشاشاتی که در گوشه و کنار کشور توسط امپریالیسم آمریکا برانگیخته شده " همدار " داده و علیه آنها مبارزه کرده است. این ادعا نیز دروغی بی شرمانه بیش نیست. کیست که نداند دارودسته کیانوری در رهبری حزب دمکرات کردستان از طریق بلوریان و امثالهم شرکت مستقیم دارد و این حزب فاسد در این مدت یکسال از آشوبگران اصلی و عاملین اصلی اغتشاشات خونین داخلی بوده است. کیست که نداند در بلوای خونین تبریز، عمل " فرقه دمکرات " درکنسار عوامل آمریکائی حزب جمهوری خلق مسلمان در تبریز انگیزتن و دامن زدن بسه اغتشاشات نقش فعال داشته اند. کیست که نداند رهبری فاسد چریکهای فدائی خلق امروز تقریباً کاملاً توسط بانده کیانوری قبضه شده و ایمن سازمان مسلح که آشکارا طرح و برنامه سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی را تبلیغ میکند، کاملاً مورد حمایت دارودسته کیانوری قرار دارد، به قسمی که این دارودسته کلامی درباره مسئولیت آن رهبری در حوادث خونین دانشگاهها نمیگوید و حتی آنرا وقیحانه تبرئه میکند.

روشن است که هدف دار و دسته کیانوری از این دودوزه بازی، از یکسوی حفظ و تحکیم جبهه انقیاد طلبی روسی خود با رهبری چریکها و دمکراتهای وابسته و از سوی دیگر دامن زدن به اغتشاشات بطرز است که ظاهراً پای خود حزب توده رابه میان نکشد. این همان

که خواهان مبارزه هم علیه آمریکا و هم علیه شوروی بوده هستند. از نظر طبقاتی، این جبهه بابخشهای مهمی از ملت ایران یعنی اقشار بورژوازی ملی میهن پرست که در عین داشتن تزلزل در مبارزه علیه امپریالیسم خواهان رشد تولید ملی و مقاومت علیه هجوم اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم هستند، به ستیز برخاسته و آنها را مورد هجوم قرار میدهد و بیه تقویت جناح بوروکرات متماثل به پذیرش سلطه شوروی برمیخیزد. از نظر سیاسی، این " جبهه انقیاد " نه تنها نمایندگان سیاسی اقشار و طبقات فوق (صاحبان صنایع و تجارت ملی) را بلکه همچنین کلیه نیروها و شخصیتهای استقلال طلب که خواهان یک راه رشد مستقل و خودکفا متناسب با ویژگیهای ایران اند (مانند بنی صدر) را مورد تهاجم قرار داده و با برچسب " لیبرال سازشکار " آنها را با اصطلاح " افشا " و " رسوا " میکند.

حزب ما با رها و به تفصیل به افشای این مشی انقیاد طلبانه باند کیانوری در زمینه جبهه سازی پرداخته است و در اینجا دیگر نیازی به توضیح بیشتر آن نمی بینیم، لکن آنچه ضروری است، تاکید بر این مسئله است که درست در زمانی که ملت ما بیش از هر وقتی با خطر تهاجم سیاسی، اقتصادی، نظامی آمریکا روبرو می شود، فعالیت های باند کیانوری نیز برای تحمیل جبهه انقیاد طلبانه خود ختم می یابد. در سراسر دوران چند ماهه اخیر که خلق ما بطرزیکپارچه با تهدیدات ابر قدرت آمریکا روبرو بود، تمامی تلاش باند کیانوری در این خلاصه می شد که سمت مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، این شیطان بزرگ را منحرف کرده و به سوی با اصطلاح " لیبرالیسم

مناسبات با شرق

و بیرون کوشید تا مسیر حرکت ملت ما را به سوی خود بکشد و جای خالی آمریکا را پر کند. روسیه و عواملش سعی کرده و میکنند ایران رابه این سو بکشند که هرچه را آمریکا و غرب نداد، شوروی و شرق بدهند! و باید از آنها گرفت.

دوا بر قدرت، عوامل و سرسپرده های شان و عناصر و گروه های متزلزل و مداراجو، که قادر نیستند نقش تاریخ ساز توده های میلیونی خلق را درک کنند چنین می بیند که ایران یا باید در آغوش آمریکا باشد یا به اردوی سوسیال امپریالیسم بنویسد. فعالیت شدید اقتصادی شوروی در ارتباط با ایران در عین حال مصادف است با حرکت عظیم ملت ما برای قطع وابستگی و شکوفایی اقتصاد ملی اما ملت ما خوب میداند که برای رهایی از زیر یوغ جهانخواران شرق و غرب و بارور ساختن بنیادهای اقتصاد ملی، قبل از هر چیز و در درجه اول باید با تکیه بر اصل " اتکاب نیروی خود " حرکت کرد. ایمان به اصل " اتکاب نیروی خود " و عملی کردن آن تنها ضامن پیروزی ما در جهت حرکت بسوی کسب استقلال کامل است. هرگونه تزلزل و تردید نسبت به این اصل و هرگونه سستی در عملی آن، بزرگترین ضعف ما و بهرین امید برای دوا بر قدرت کشور ما برای نوسازی اقتصاد خود بر اساس منافع خلق، باید در اساس به نیروی خود متکی باشد. در عین حال کشور ما باید با جهان خارج ارتباطات وسیع و گسترده ای داشته باشد. در این امر کوچکترین شکی جایز نیست.

اما برقراری روابط با جهان خارج هم باید متکی بر اصولی باشد که منافع خلق ما را تامین کرده و در جهت حرکت عظیم استقلال طلبانه جهان امروز علیه حرکت سلطه طلبانه و برتری جویانه دوا بر قدرت باشد. درست به همین

خاطر است که ما میگوئیم ساختمان نوین اقتصاد ایران باید در بر توفیق اصل زیر برپا شود.

۱- اصل اتکا به نیروی خود باید منبای تمامی حرکت های ما برای نوسازی اقتصاد کشورمان باشد. عملی شدن این اصل مستلزم بسیج تمامی عوامل مثبت است. نیروی عظیم کارگران، دهقانان زحمتکشان

۲- در روابط خارجی باید هرچه بیشتر اتحاد خود را با جهان سوم تحکیم کرده تا بندهای ارتباط جهان سوم را با امپریالیسم جهانی و بویژه دوا بر قدرت تا حد امکان از هم دریده و رابطه های نوین را بر اساس منافع مشترک خلقها و کشورهای جهان سوم بی ریزی کنیم. جنب و جوش استقلال طلبانه در جهان سوم مهم ترین عامل مثبت در بیرون مرزهای ما است.

۳- برای افراد کامل بزرگترین دشمنان استقلال و آزادی خلقها و کشورهای جهان یعنی دوا بر قدرت آمریکا و شوروی، باید از موضع استقلال و حفظ حاکمیت ملی به جلب جهان دوم (اروپا و ژاپن) برداخته و با بهره گیری از تضادهای درون امپریالیستی، امکانات تکنولوژیکی آنها را به خدمت رشد و شکوفایی اقتصاد ملی خود بگیریم. مناسبات دوا بر قدرت با اروپا و ژاپن، سرشار از مبارزه و در عین حال وحدت است، از جمله برای تسخیر بازارهای جهان در مناسباتشان مبارزه حاکم است. نه وحدت. یک سیاست درست باید

بتواند بخوبی از این تضادها حداکثر بهره برداری را بنماید. تضاد جهان دوم و دوا بر قدرت و همچنین امکان جلب جهان دوم نیز از جمله عوامل مثبت در بیرون مرزهای ما است.

۴- پیرو سیاست افراد دوا بر قدرت باید روابط خود را با سلطه گران آمریکا و شوروی به حداقل جلب رسانده و تا حد ممکن از آنها دوری نمائیم. چنین است اصولی که زندگی اقتصادی ایران باید حرکت خود را بر اساس آن تنظیم کند.

حرکت اخیر دولت بسوی شرق، اگر " اصل اتکاب به نیروی خود " را مخدوش کند و اگر از موضع منافع ملت نباشد، وابستگی را بدنبال خواهد داشت. اما با تمایز گذاری میان اروپای شرقی و ابر قدرت شوروی و سعی در جلب آن کشورهایی از شرق اروپا که مانند رومانی، یوگسلاوی، گرایشهای استقلال طلبانه ای نسبت به دیگر همسایگان خود میتوانند، میتوان روابط نوین رابه خدمت رشد اقتصاد ملی گرفت. اما باید هوشیار باشیم و هر لحظه منافع خلق را در نظر داشته باشیم. این عدم هوشیاری است که ما رابه شرق و یا غرب وابسته میکند. شکی نیست هدف سیاست اقتصادی دوا بر قدرت، بلعیدن

مواضع اجمالی

۲- سیاست خارجی و دفاعی ما

دست ایادی خرابکار آنها در ایران است.

با کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز سیاست ما باید حسن همجواری و همکاریهایی که به کوتاه شدن واقعی دست ابر قدرت ها از این منطقه ختم شود، باشد. بطور کلی ما باید رژیم های ستمگر و وابسته را تقبیح نمائیم ولی با آنها سر جنگ نداشته باشیم. لیکن هر گاه آنها با ما وارد جنگ شوند ما با تمام قدرت از خود دفاع کرده و حملات آنها را در هم میشکنیم. با آنچه که ما بدان نام جهان دوم میدهیم و عبارت از کشور های اروپایی و ژاپن و بعضی کشورهای دیگرند نیز سیاست ما باید برقراری روابطی بر مبنای پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز باشد.

آنچه که در سیاست دفاعی ما مهم است و در اشاره به اوضاع بین المللی و منطقه گفته شد دوا بر قدرت و اعمال و متحدین آنها بخاطر آن اهداف جهانخوارانه و ظالمانه ی خویش با ایرانی مستقل و آزاد نمیتوانند سر سازگاری داشته باشند. بنابراین دیو یا زود با ما بجنگ بر خواهند خاست و تحریکات لازم را برای انجام چنین کاری که از مدت ها پیش شروع شده است که با داخلی است یا خارجی مبارزه ی سیاسی ما با آنها زیر پرچم نه شرقی، نه غربی هر گاه به جنگ بکشد، مسیر و سیاستش را عوض نخواهد کرد و همچنان نه شرقی نه غربی میماند.

ما وارد بیمانهای نظامی با آنها نمی شویم. ما برای دفاع از کشور خود بدانها چشم امید نداریم بیکی در مقابل دیگری تکیه نمیکنیم و نمی گذاریم که آنها قیم ما در برابر دیگری گردند. برعکس ما با خلقها و ملل ستمدیده جهان متحد می شویم. از مبارزه ی آنها علیه دوا بر قدرت استمداد میگیریم. ما با جهان سوم که در برابر ابر قدرت ها و عاملان مایستند متحد می شویم. نیازمندی مان را با کسانی که نه در حرف بلکه در عمل به استقلال و تمامیت ارضی ما و حق حاکمیت ما احترام میگذارند بر طرف میکنیم. در یک کلام ما در دفاع ملی بگد سدا

کشور ما کشوری است که از ستم امپریالیسم و اعمال آن رنج بسیار برده است. انقلاب اسلامی کشور ما نیز از جمله انقلابی بود که در جهت برانداختن سلطه ی امپریالیسم و تامین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی (بویژه رفاه زحمتکشان) در ایران قرار داشت. بنابراین سیاست خارجی ما نیز ادامه ی این سیاست ضد امپریالیستی است. این سیاست مسیر کشور ما را در جهان کنونی معین میسازد و از میان همه تلاطمات بین المللی، کشور ما رابه سوی سر منزل مقصود هدایت میکند.

در قبال بطور مختصر راجع به دوستان و دشمنان و نیروهای بینابینی صحبت کردیم و اشاره ای به اوضاع نمودیم. ما گفتیم که دشمنان استقلال و آزادی کشور ما امپریالیسم بطور عام و دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و اعمال آنها بطور مشخص اند. اینکه شعار راستین نه شرقی، نه غربی اینهمه صلابت دارد و اینکه بلندگوهای منافع دشمنان ما با این شعار اینهمه سر خصومت دراند، از همین واقعیت نشات میگیرد.

سیاست خارجی ما در درجه اول متوجه دور شدن و مقاومت در برابر دوا بر قدرت می باشد. بنابراین مادر سیاست خارجی وارد هیچ دسته بندی و همکاری و نزدیکی با دوا بر قدرت نباید کردیم. ما باید جزوی از جنبش کشورهای غیر متعهد باقی بمانیم و روی ما باید بسوی خلقها، ملل و کشورهای ستمدیده ی جهان سوم باشد و از حرکات و مبارزات این جهان ستمدیده علیه دوا بر قدرت حمایت کنیم. در سیاست خارجی ما باید از آنچه که بتنفع خلقها و ملل و کشورهای ستمدیده ی جهان است حمایت و پشتیبانی کنیم. آنها متحدین طبیعی ما هستند، لیکن این امر بمعنای دخالت در امور کشور های دیگر جهان نیست. زیرا ما مخالف مداخله جویی هستیم و همانطور که به هیچکس اجازه دخالت در کشور خود را نمیدهیم، خودمان نیز از این اصل باید پیروی نمائیم. بنابراین ما هر چند که ممکن است به ملل و خلقهای در حال مبارزه کمک مادی،

و به سوی باصلاح "لیبرالیسم" سازشکار "بزرگدانشمند" نویسندگان روس نام "مردم" در تحریکات خود تا بدانجا پیش رفتند که شخصیت مورد اعتماد مردم مانند مهندس بازرگان را "عقیدار ضد انقلاب" معرفی کرده و وظیفه مرحله دوم انقلاب پس از سرنگونی شاه و بختیار قلمداد کردند. بدین ترتیب، در حالی که امام می گفت "شیطان بزرگ" آمریکا است و همه تفنگها و قلمها باید بجای سمتگیری به سوی بکلیگر به سوی شیطان بزرگ نشانه رود، بانندکیا نوری و چپ‌نما ها و مسلمان نماهای آگاه و ناآگاه تمامی حملات خود را ناگهان متوجه نیروهای ملی نموده و به بهانه فریبنده کوبیدن پایگاه داخلی امپریالیسم آمریکا به تضعیف جبهه داخلی مقاومت ملی، جبهه‌ای که باید هرچه وسیع‌تر بوده و دشمن اصلی را به‌عالی درجه متفرد نماید، برخاستند.

البته بانندکیا نوری با این برنامه میخواست زمینه را برای نفوذ و توطئه و چپ‌ساز گودتای روسی اربابان خود مهیا نماید، لکن تضعیف جبهه متحد خلق، توطئه علیه نیروهای ملی، توطئه علیه

جمهوری اسلامی و خط نه شرقی نه غربی آن، اساساً به سود امپریالیسم است و پس، خواه شرقی خواه غربی، حال اگر اربابان کیان نوری نتوانند با تمام زرنگی و چابکی خود از این تضعیف و تخریب جبهه متحد خلق بهره‌برند، رقبای آمریکا فی آنها چنین میکنند. آنچه که امروز بیش از همه با رزوهویداست، در زمانی که بانندکیا نوری و متحدین آگاه و ناآگاه چپ‌نما و مسلمان نمای آن به دعواهای درونی علیه "لیبرالیسم" سازشکار" دامن میزدند، امپریالیسم آمریکا سرگرم تدارک تجا و زنگی خود به خاک میهن ما بود. پس بانندکیا نوری به هیچ رومی نتواند

را به میان محمد، این همان سیاست مزورانه یهودائی است که شکر بر لب دارد و خنج سر زهر آگین در نیام. بنا بر این دارو دسته کیان نوری نه تنها قهرمان مبارزه علیه اغتشاشات و مدافع آتشین دولت ملی جمهوری اسلامی نیست، بلکه توطئه‌گر بزرگی است که به مزورانه‌ترین صورتی به آشوب کمک کرده و زمینه را برای تجا و زنگی امپریالیسم آمریکا آماده نموده است.

کیان نوری، کمتراز ما جراجویان چپ‌نما و مسلمان نما از دولت ملی و بخصوص از بنی صدر کینه بدل ندارد. او دشمن خونی و قسم خورده استقلال طلبان ملی و اسلامی و بخصوص رئیس جمهور منتخب مردم است. آری با فراموش کرده ایم که در فردای انتخاب بنی صدر ریاست جمهوری، بیانیه "کمیته مرکزی حزب توده" چگونه از مردم خواست که "بزودی این اشتباه را (اشتباه انتخاب بنی صدر) تصحیح کنند"؟ او فعلاً آنها ما مزورانه و از پشت به انواع چپ‌نماها و انحصار طلبان و انقیاد طلبان کمک کرده که ایمن "اشتباه بزرگ را تصحیح کنند". او میخواست این اشتباه را به سود اربابان روسی خود تصحیح کند اما نزدیک بود که به سود رقیب آمریکا فی تصحیح شود.

۳- محرکی در خدمت تشدید رقابت و تجا و زنگی با قدرت از این دو موضوع گذشته، همانطور که در آغاز گفتیم، بانندکیا نوری به مثابه عامل اجرای سیاست شوروی در ایران، یک پای فعال رقابت‌های وحشیانه دوا بر قدرت برای سرکردگی بر جهان و بخصوص برای سلطه بر ایران است، اشغال افغانستان توسط ارتش روس زنگ خطر را برای امپریالیسم آمریکا به صدا درآورد و این امپریالیسم را به تجا و زنگی بیشتر سوق دهد. اشغال افغانستان به رقابت وحشیانه و

تجا و زنگرانه و جنگ افروزانه دوا بر قدرت در منطقه خلیج فارس دامن زد و همین ما را بیشتر در کام مخاطرات ناشی از این تشدید رقابت فروبرد. بنا بر این روشن است که تأکید تجا و زنگی علیه افغانستان در عین حال تأیید حرکات تجا و زنگرانه آمریکا نیز به کشورهای مستقل این منطقه بخصوص ایران نیز هست. و برعکس مقابله با تجا و زنگی و هرگونه تجا و زنگی دوا بر قدرت مبارزه برای حفظ صلح و امنیت و استقلال کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی ایران است. بانندکیا نوری سیاست نخست راندنیال کرده و می‌کند، سیاست مبتنی بر اصل قبول رقابت دوا بر قدرت، سیاستی که ۱۸۰ درجه مخالف مصالح ملی ما بوده و بطور خاص نیز در خدمت تجا و زنگی آمریکا به میهن ما بوده و هست.

بنا بر این از هر کجای قضیه که بگیریم بروشنی ملاحظه می‌کنیم که بانندکیا نوری نه تنها علیه امپریالیسم آمریکا و تجا و زنگی آن مبارزه نکرده، بلکه با تضعیف جبهه داخلی نیروهای ملی و تخریب در امر اتحاد بزرگ ملی، با شرکت فعال و حتی رهبری اغتشاشات و آشوب‌های ضد حکومتی چپ‌نماها و انحصار طلبان و انقیاد طلبان رنگارنگ، و با تأیید تجا و زنگی به کشورهای ورقات دوا بر قدرت، درست در نقطه مقابل ادعاهای مزورانه و بی‌شرمانه خود به سود تجا و زنگی امپریالیسم آمریکا عمل و حرکت کرده است. بانندکیا نوری به مثابه عامل سوسیال امپریالیسم شوروی بطور خاص، عامل امپریالیسم جهانی بطور عام نیز هست.

کشور ماست. فشار آمریکا برای بزانو درآوردن ما از طریق نفروختن کالا است و تهاجم روسیه از طریق فروختن آن با نیت وابسته کردن ما بخود. اینجا فقط نقش خود ماست که تعیین کننده است.

مناسباتی که دو ابر قدرت میکوشند بر خلقها و کشورهای جهان سوم تحمیل کنند تنها دارای خصالت نابرابرانه نبوده بلکه همچنین مناسباتی است ابرتبار. آنها قادرند و میکوشند با تحمیل قرارداد هائی سلطه خود را بر عرصه های کلیه حیات اقتصادی، سیاسی، نظامی جوامع جهان سوم تأمین سازند. حال اینکه کشورهای امپریالیستی درجه دوم (اروپای و ژاپن) قادر نیستند چنین سلطه‌ای را اعمال کنند آنها میکوشند بر خصالت نابرابرانه روابط تجاری با جهان سوم به سود بیفزایند. لکن جهان سوم نیز می‌تواند با مبارزه آنها را وادار به برقراری روابطی کمتر نابرابرانه بنماید.

افغانیهای مبارز

دعوت به شرکت در ایمن مبارزه کرده بودند. اجتماع کنندگان که اکثر از زحمتشان افغانستان بودند با مشت‌های گره کرده فریاد میزدند: "مرگ بر روسیه و مرگ بر بزرگ کارمل" "مرگ بر برژنف مرگ بر کارتر"، و در انتظار حرکت راهپیمایی بودند که از طرف ما مورین پلیس با استناد به اطلاعیه وزارت کشور که از طریق رادیو ایران منتشر گردید از این راهپیمایی ممانعت بعمل آمد.

اجتماع کنندگان در حالی که از این اقدام وزارت کشور متعجب مانده بودند پس از توقف کوتاهی در میدان به منظور جلوگیری از هرگونه هرج و مرج متفرق شدند. از طرف دیگر یک گروه دیگر از افغانیها که در حدود ۳۰۰ نفر بودند به رهبری حزب اسلامی افغانستان از محل پل چوبی شروع به

سرمه‌ها را در دست می‌بردند و کردن چتر دفاعی نمیکردیم و آنرا نمیخواهیم. کسی که به انتظار دفاع همسایه از خانه‌اش بنشیند به احتمال زیاد دزد خانه‌اش را غارت میکند.

سیاست دفاعی شاه مخلوع این بود: سیستم دفاعی درست کنیم که قفل پشت در باشد و در را تا وقتی نگه‌دارد که آمریکا برسد. این البته سیاست دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران نبود. این سیاست دفاع از رژیم ننگین پهلوی بود و در خدمت نظام امپریالیسم آمریکا.

امروز دارو دسته‌ی وابسته به شوروی در کشور ما و قیاحانه متعرضند که چرا بند ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱، ایران و شوروی توسط شورای انقلاب و دولت موقت فسخ شد. چون مدعی اند که آن مواد که بشوروی حق مداخله نظامی در کشور ما میداد، حافظ استقلال ایران بودند. آنها میگویند ما باید چون کوبا، ویتنام، یمن جنوبی، و افغانستان با شوروی باصطلاح متحد شویم تا استقلال کشورمان حفظ شود!

اما ما وقتی سرنوشت افغانستان را میبینیم، وقتی به یمن جنوبی نظر میافکنیم وقتی نمونه‌های دیگر را مورد بررسی قرار میدهیم میبینیم این سیاست انقیاد ملی است و نه دفاع ملی، این سیاست تقدیم کشور به دشمن است و نه مقاومت در برابر آن و خیانت به مردم و انقلاب ایران. بنا بر این میبینیم که سیاست دفاع ملی ما تنها میتواند یک چیز باشد: اتکا بنیروی مردم ایران بعنوان اساس و اتحاد با خلقها و ملل کشورهای جهان سوم و آنهایی که بدون چشم داشت با ما برخورد میکنند بعنوان عامل فرعی. این خط مشی کاملاً خصلت تدافعی سیاست دفاعی ما را نشان میدهد. و تنها سیاست اصولی و واقع بینانه برای کشور ما میباشد. هر سیاست دیگری که بخواهد ویا بطلد که ما دست از یک خط مشی تدافعی در سیاست دفاعی برداشته و خط مشی تهاجمی را در پیش بگیریم دیر یا زود نتیجه‌اش را بصورت وابستگی مابیکی از ابر قدرت نشان خواهد داد. عده‌ای که امروز طالب آنند که مادر صحنه نبرد هر خلقی بصورت نظامی حضور فعال پیدا کنیم در واقع امر، طالب آنند که ما وارد یکی از دسته بندیهای ابر قدرت‌ها گردیم. باید قاطعانه و کاملاً این نظریه را طرد و انتقاد نمود.

ادامه دارد

بقیه در صفحه ۶



مسکو خود را برای المپیک آماده می سازد

این بازیها نیستند میتوانند بخرج دولت شوروی در این بازیها شرکت کنند و کلیه مخارج سفر آنان از طرف مسکو پرداخت میشود و روایید مسافرت نیز برای آنها تهیه میشود.

همچنین شوروی به کمیته جهانی المپیک پیشنهاد کرده است که در قانون شرکت تیم های ملی کشورها در المپیک تغییراتی داده شود و از این بعد ورزشکاران بطور فردی اجازه شرکت در المپیک را داشته باشند!

ک.گ.ب در کمیته المپیک

ک.گ.ب. در کمیته المپیک مسکو تدارک وسیعی برای برگزاری بازیهای المپیک دیده است. بخشی از این تدارک برعهده سازمان جاسوسی ک.گ.ب. میباشد که اعضای خود را درون کمیته برگزاری بازیهای المپیک مسکو فرستاده است. بلند پایه ترین این مامورین شخصی بنام وی-آی-پیوف است که معاون اول کمیته المپیک از کادرهای بالای ک.گ.ب. میباشد. برنامه بدین قرار است که



رئیس کمیته المپیک مسکو "ایگنائی تو یکوف" بطور خصوصی با "ویلی دام" رئیس کمیته ملی المپیک آلمان غربی ملاقات کرده و پیامی را با او تسلیم کرد که در آن آمده است "عدم حضور بازیکنان آلمانی در بازیهای المپیک مسکو تاثیر جدی بروی مناسبات دو کشور میگذارد."

ولادیمیر پیوف "معاون کمیته برگزاری بازیهای المپیک در مسکو، گفته است که "برای عادی شدن مناسبات روسیه و آلمان غربی ۳۰ سال صرف شده است ولی اکنون فشار کارتر بیروی آلمان برای تحریم بازیهای المپیک افکاری بوجود آورده است که بوی باروت از آن بمشام میرسد!"

خروج سفر ورزشکاران شوروی بخاطر عقیم گذاردن تصمیم بسیاری از کشورها در تحریم بازیهای المپیک اعلام کرده است که بازیکنانی که بخاطر تحریم المپیک از طرف دولت هایشان قادر به شرکت در



سازمان "امنیت" روسیه از شرکت تعداد زیاد بازیکنان، روزنامه نگاران و تماشاچیان در بازیهای المپیک استفاده کرده و دست بیک کارزار وسیع خرجینی و عضوگیری در بین آنها زند.

رویدادهای اقتصادی

مسابقه تسلیحاتی و افزایش خطر جنگ

بدین ترتیب مهلت دو ساله برای توقف آزمایش سلاح های ضد ماهواره را نقض کرده است. این سلاح که برای از بین بردن ماهواره در جو استفاده می شود کموس ۱۱۷۴ نام دارد. گرچه آمریکا نیز در حال حاضر سر گرم تهیه این نوع سلاح است اما کارشناسان نظامی بعید می دانند که آنها تا سال ۱۹۸۲ بتوانند آن را آزمایش کنند.

افزایش تولید و مدرنیزه کردن سلاحهای جنگی نشان دهنده تشدید رقابت دو ابر قدرت و افزایش خطر جنگ جدید است. مسابقه سرسام آور و آسار گسیخته تسلیحاتی دو ابر قدرت با تبلیغات و جار و جنجال های آنها درباره "صلح"، "تنش زدائی" و "تعاقب" مقابرت دارد. واقعیت این است که هر چه دو ابر قدرت بیشتر راجع به خلع سلاح و "صلح" حجه پاره کنند و گرد و خاک راه بیندازند به همان اندازه به میزان تولید سلاحهای خود نیز می افزایند و رزاد خانه آنها از سلاحهای مرگبار انباشته تر میشود. در حقیقت این داد و فریادها چیزی نیست جز تلاشی برای تحمیق مردم و خاک پاشیدن به چشم آنها.

● در اتیوپی چهارده زندانی سیاسی که در بین آنها یک کشیش نیز وجود داشت و از تیر ماه گذشته مفقود شده بودند، بگفته سازمان عفو بین-المللی از طرف رژیم وابسته به روس منگیستو "در اتیوپی اعدام شده اند."

● روسیه قیمت نفت صادراتی خود را به کشورهای عضو کمکون "شورای متقابل اقتصادی اروپای شرقی" که از کشورهای بلغارستان، لهستان، مجارستان، رومانی، آلمان شرقی و چکسلواکی تشکیل شده است در پنج سال آینده دو برابر خواهد کرد.

● رومانی رسماً اعلام کرد که در کنفرانس احزاب "کمونیست" اروپای شرقی که در تاریخ هشتم و نهم اردی بهشت در پاریس برگزار میشود شرکت نمیکند. قبلاً احزاب سوئد، هلند، اسپانیا، ایتالیا و یوگسلاوی انصراف خود را از شرکت در این کنفرانس اعلام کرده بودند.

● دولت نظامی آرژانتین قانونی را بتصویب رساند که در آن کلیه فعالیت اوضاع را وخیم تر میسازد.



تشیع جنازه شهدای ارتش با شرکت هزاران نفر برگزار گردید

صبح دیروز (دوشنبه) جنازه ۱۵ تن از شهدای ارتش که در درگیریهای اخیر سندیج به شهادت رسیدند از مدرسه عالی شهید مطهری طی مراسمی پرشکوهی و با شرکت هزاران نفر از مردم خانواده شهدا، فرماندهان و پرسنل قوای سه گانه ارتش، سپاه پاسداران و عسدهای از مقامات رسمی کشور به سمت بهشت زهرا تشییع شد. در این مراسم مردم همبستگی خود را با ارتش و سپاه پاسداران با خواندن شعارهای "بدستور خمینی، ارتش جمهوری اسلامی حمایت میکنند" و "بدستور

خمینی، سپاه پاسداران حمایت میکنند" اعلام کردند. شهادت برادران ارتشی پاسدار، عناصربا رزاستقلال طلب و مردم دلیر کرد در حوادث اخیر با ردیگر قلبهای ملت ما را شدیداً اندوهگین ساخته است در شرایطی که امیریا لیسیم آمریکا و سوسیال امیریا لیسیم روسیه استقلال ایران را از هر سومورد تهدید قرار داده اند مردم ما بهیچوجه خواهان ادا مه این درگیریها نیستند و قاطعانه خواستار رحل مسالمت آمیز مسئله گردستان میباشند.

افغانیهای مبارز

طی گفتگوی کوتاهی که خبرنگار رنجبران چند نفر از افراد ستاد سرگزار راهپیمائی ها بعمل آورده است، اطلاع حاصل شده که راهپیمایان قبلاً از طرف وزارت کشور اجازه گرفته اند و به همین دلیل هم مردم تهران را به پشتیبانی و شرکت در راهپیمائی دعوت نموده اند.

یکی از افغانیها می گفت که: "وقتی ما به وزارت کشور مراجعه کردیم، گفتند شما نمیتوانید در جلوی سفارت روسیه اجتماع کنید و فقط باید به جلوی سفارت آمریکا بروید. ما هم به آنها اعلام کرده بودیم که مسیبر راهپیمائی ما هم در جلوی سفارت روسیه است و هم سفارت آمریکا، اما آنها مخالفت کرده بودند!"

افغانی های مقیم ایران که به تاءسی از قهرمانیهای هم میهنان بیخاسته خود، بمناسبت سالگرد این روزشوم با شعار "مرگ بر اسارت، زنده باد آزادی" اعلام راهپیمائی اعتراضی نمودند و با واکنش وزارت کشور و روبرو شدند. و آنهم به بهانه جلوگیری از هرج و مرج و "خط" نه شرقی نه غربی است میدانم.

مسالمت آمیز برادران افغانی اعلام دارد؟

آیا وزارت کشور مخالف مبارزه ی مردم افغانستان علیه روسیه ی تاج و زگراست؟

آیا بخاطر اینکه مردم ما این روزها علیه توطئه های ببر قدرت جنایتکار آمریکا مبارزه میکنند، میتوانیم بخود حق دهیم که با برادران خود در افغانستان اعلام همدردی نکنیم؟

این چه سیاسی است که بعلت گرم بودن تنور مبارزه علیه آمریکا جنایتکار، اختیار مبارزات مردم افغانستان را در رسانه های همگانی و از جمله در مدار وسیعای جمهوری اسلامی ایران منعکس نمیکند؟ این چه سیاسی است که در مبارزه با غرب قرارداد های اقتصادی جدید پشت سر هم با شرق تاج و زگر بسته میشود و این مسئله حساسیت مقامات مشول راتا به این حدیثین میآورد

که بجای همدردی به مخالفت آشکار با مبارزه مردم ما علیه ابر قدرت روسیه برمیخیزند؟ ما به این عمل مقامات مشول وزارت کشور شدیدا "اعتراض میکنیم و آنرا مقایر با خط جمهوری اسلامی ایران که خط "نه شرقی نه غربی" است میدانم.

مناسبات با شرق باید تابع چه اصولی باشد

بزه‌ی اجلاس مشترک ایران و روسیه برای امضاء قراردادهای دو-جانبه اقتصادی در مسکو برگزار میشود. این قبیل اجلاسها از سالها قبل در زمان شاه مخلوع هرساله برگزار میشد و روابط اقتصادی دو کشور را بررسی میکرد اما پس از انقلاب آدمای این اجلاسها به فراموشی سپرده شده بود تا اینکه با حرکت اخیر آمریکا، مقامات ایرانی بیاد این اجلاسها افتادند. در عین حال چندی است که سفرهای هیئتهای نمایندگی ایران به چند کشور اروپای شرقی برای امضای قراردادهای اقتصادی این سؤال را برانگیخته است که آیا ایران در مبارزه با غرب به شرق خواهد گرائید؟

قرارداد ایران و شوروی بنظر نمی‌رسد که از نظر حجم و میزان موارد مورد توافق تفاوت چندانی با قراردادهای زمان شاه ننماید. دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی در رقابت تنگاتنگ و پیچیده خود برای کسب سرکردگی بر جهان به تمامی شیوه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و... متوسل میشوند. این دو ابر قدرت بدون کوچکترین شک و تردیدی بدنال بلعین ایران ما هستند، ایرانی که برای کسب استقلال و آزادی قربانیها داده و خواهد داد. رقابت این دو ابر قدرت چه...

در ایران بخصوص در زمینه اقتصاد به وضع بغرنجی درآمده است. آمریکای جنایتکار پس از اینکه رژیم مزدور شاه را بعنوان اصلی ترین پایگاه فرمانروایی سیاسی اش از دست داد سعی کرد با توسل به بازیهای اقتصادی و برانگیختن در آوردن ما در زمینه اقتصاد دوباره جای خالی خود را پر کند. امپریالیسم آمریکا، پس از سقوط رژیم شاه دست به طرح‌ریزی توطئه‌های فراوانی برای کلافه کردن ایران زد. از جمله اختلالهای فراوانی در زمینه صدور مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز کشور مان چه از آمریکا و چه از دیگر کشورها نمود. انحصارات آمریکایی و شرکتهای چند ملیتی تحت سلطه سرمایه‌های آمریکایی، با سوءاستفاده از اوضاع بهم ریخته ایران تا آنجا که توانستند بر ایمن اشکال تراشدند. بطوریکه

شنبه گذشته وزیر امور خارجه استرالیا اعلام کرد که "بدنیا لاش نافرجام آمریکا برای آزادی گروگانها در تهران، استرالیا در محدودیت های اقتصادی خود علیه ایران تجدید نظر خواهد کرد."

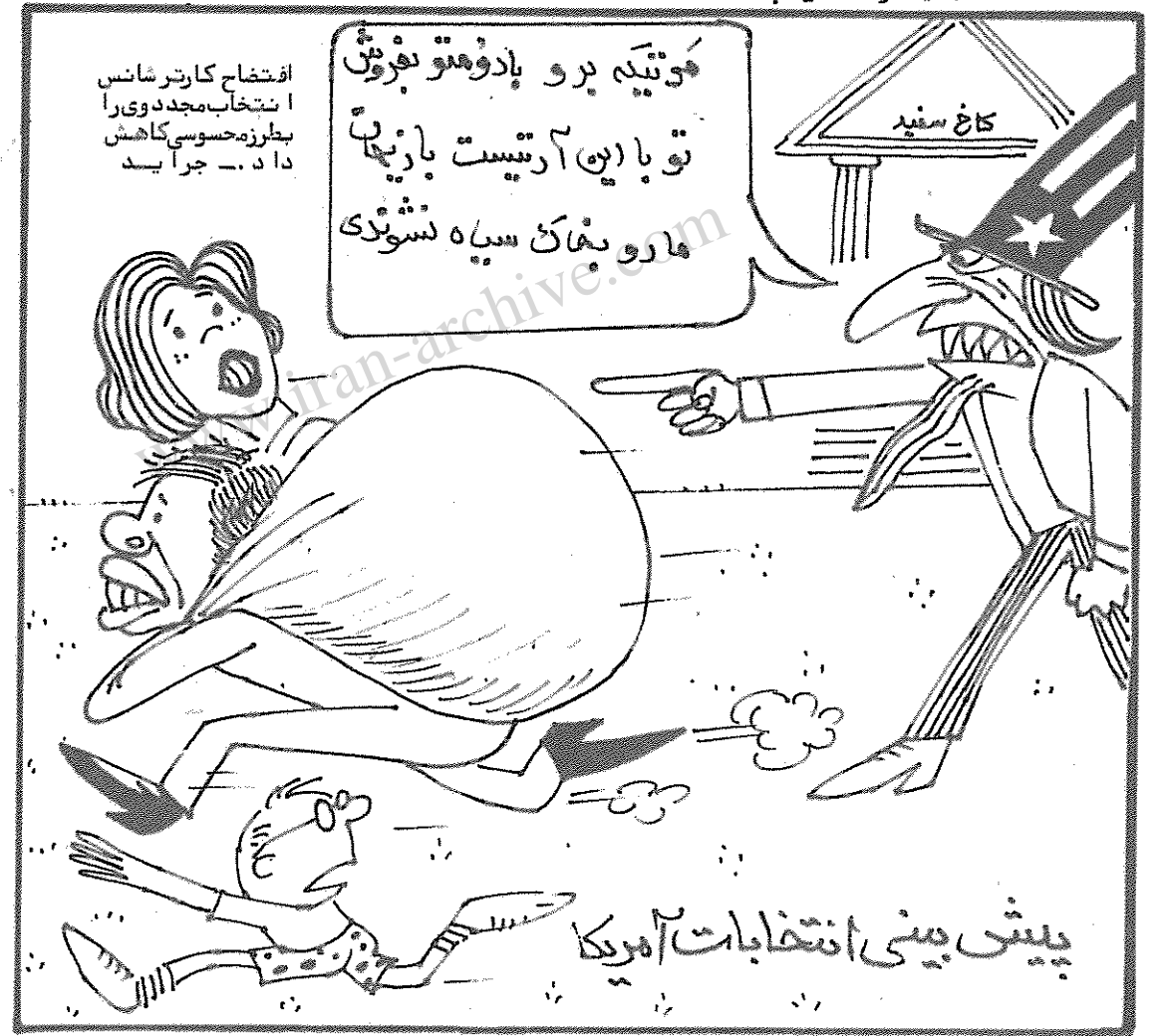
دولت رومانی طی اعلامیه‌ای که روز جمعه گذشته انتشار داد گفته است "افکار عمومی رومانی با خصمی عمیق از اقدام کماندوسی آمریکا آگاه شد، این کار اقدامی آشکار در جهت اعمال زور و بویزه عملی تجاوز کارانه نسبت به حاکمیت ملی یک کشور مستقل است."

بدنیا لاش پناهنده شدن ۱۰۰۰۰ نفر در سفارت پرو سه شنبه گذشته نیز ۳۴۰ نفر از پناهندگان کوبایی توسط قایق های ماهیگیری از کوبا فرار کرده و با آمریکا پناهنده شدند.

های سیاسی و اتحادیه‌های در دانشگاه لغو شد. بر طبق این قانون کارمندان دانشگاه اجازه ندارند که عضو اتحادیه ویا سازمان سیاسی باشند.

بنابر گزارش خبرگزاری یونایتد پریس سران دولتهای عضو جامعه اقتصادی اروپا عمیقاً "از اجرای کوشش ناموفق ایالات متحده در آزاد ساختن گروگانها بدرد سر افتاده‌اند. دیپلماتها اظهار داشتند که کوشش آمریکا برای نجات گروگانها قابل اعتماد بودن کارتر را برای اروپاییان زیر سؤال گذاشته است."

دراثر فشار اختناق در داخل کوبا هزاران نفر کوبایی با قایق از این کشور فرار میکنند. بر اساس گزارشات رسیده صد ها تن از آوارگان بعلت طوفان و طغیان آب دریا در آنها مفقود شده‌اند.



به از صدای جمهوری اسلامی ایران بخش شد، به این بهانه مردم را به عدم شرکت در این راهپیمایی ضد سوسیال - امپریالیسم روسیه دعوت نمود.

چگونه ممکن است مقامات وزارت کشور جمهوری اسلامی، جمهوری که از روز اول تولدش بدفاع از مبارزات عادلانه‌ی مردم برادر و مسلمانی افغانستان برخاسته است، هر اسکان نشده و مخالفت خود را عملاً با راهپیمایی

یکجان از مبارزات حق طلبانه‌ی مردم برادر افغانستان دفاع میکنند و از تاج و زارتن سوسیال فاشیستی روسیه به افغانستان شدیداً متنفر است و این بهترین نشانه‌ی همبستگی و پشتیبانی دولت برادر ستم‌دیده در مقابل ستمگران ابر قدرت میباشد. و این است آنچه که به مردم ستم‌دیده افغانستان دلگرمی می بخشد، نه موضع‌گیری انحرافی وزارت کشور!

رنجبر ویژه اول ماه مه

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت منتشر می‌شود.

خجسته باد روز جهانی کارگر

"رنجبر" ویژه اول ماه مه شامل:

- ۱- تاریخچه اول ماه مه
- ۲- خواستها و مسائل کارگران
- ۳- تاریخچه جنبش کارگری ایران
- ۴- برنامه کنونی حزب رنجبران ایران برای زحمتکشان
- ۵- منتخبی از مقالات "رنجبر"

سالگرد شهدارا

تبدیل کردند و همراه ملت قهرمان ایران رژیم شاه مخلوع را به گورستان تاریخ فرستاده حزب رنجبران ایران را بوجود آوردند. و این همان آرزوی همیشگی این شهیدان قهرمان بود.

حزب رنجبران ایران با شهدای انقلاب عهدخونین بسته است که تا کسب کامل استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی از این نشینند و پرچم وحدت بزرگ ملی را افراشته نگاه دارند مبارزه ما تا پیروزی کامل رنجبران ایران و جهان ادامه دارد.

برای بزرگداشت خاطره این شهدا، روز ۱۴ اردیبهشت ساعت ۵ بعد از ظهر همه در مزار شهدا در بهشت زهرا گرد هم آئیم.

توضیح: رنجبر از شماره ۴۰ به بعد در چاپخانه نصرت بچاپ رسیده است که با اشتباه نام چاپخانه سکه در زیر روزنامه درج شده است بدین وسیله تصحیح میشود.

رنجبر

از گان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز: سردبیر: فرامرز وزیری

مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال

خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۳۰۱-۱۴

منطقه پستی ۱۵

تلفن ۸۲۰۶۹۱

چاپ نصرت